

اگرشیت

دوشنبه ۱۷ دیماه ۱۳۶۹ برابر ۷
ژانویه ۱۹۹۱ - سال هفتم - شماره ۳۳۲

پایان مهلت اولتیماتوم شورای امنیت
نزدیک است

آیا آمریکا به عراق حمله خواهد کرد؟

بیش از چند روز به پایان مهلت تعیین شده در اولتیماتوم شورای امنیت سازمان ملل به عراق برای تخلیه خاک کویت باقی نمانده است. با نزدیک شدن پانزدهم ژانویه هراس از شعله کشیدن آتش جنگی خانمانسوز در منطقه خلیج فارس بیش از پیش بر دلها مستولی میشود. لجاجت و سر سختی ظاهری صدام حسین در تلقی کویت به عنوان یکی از استانهای عراق و قلدرمنشی و فریوهای جنگ طلبانه سران آمریکا نگرانی نسبت به شعله ور شدن آتش جنگ را افزایش داده است. آیا ایالات متحده آمریکا به عراق حمله خواهد کرد؟

طی هفته های اخیر و با نزدیکتر شدن پایان مهلت تعیین شده، موضعگیریهای طرفهای اصلی درگیر بحران از صراحت بیشتری برخوردار شده است. عراق با زبان دیپلماتیک و به اشکالی کم و بیش آشکار آمادگی خود را برای نوحی مصالحه اعلام داشته است. به نوعی که بطور مثال واشنگتن پست از قول یک مقام عالیرتبه عراقی اعلام کرده است "اگر آمریکائی ها انعطاف نشان دهند، ما هم انعطاف خواهیم داشت." اما به موازات آن شاهد تشدید فشار آمریکا بر عراق و تاکید صریحتر به لزوم خروج بی قید و شرط عراق از کویت هستیم. در بسیاری موضعگیریهای سران آمریکا که گویا پاسخ مذاکراتی پنهانی داده میشود از فیر قابل پذیرش بودن پاداش به متجاوز سخن رفته است. و این پاسخ مستقیمی است به پیشنهادهای آشکار و نهان عراق

بقیه در صفحه ۲

پذیرش وکیل مدافع در دادگاههای جمهوری اسلامی

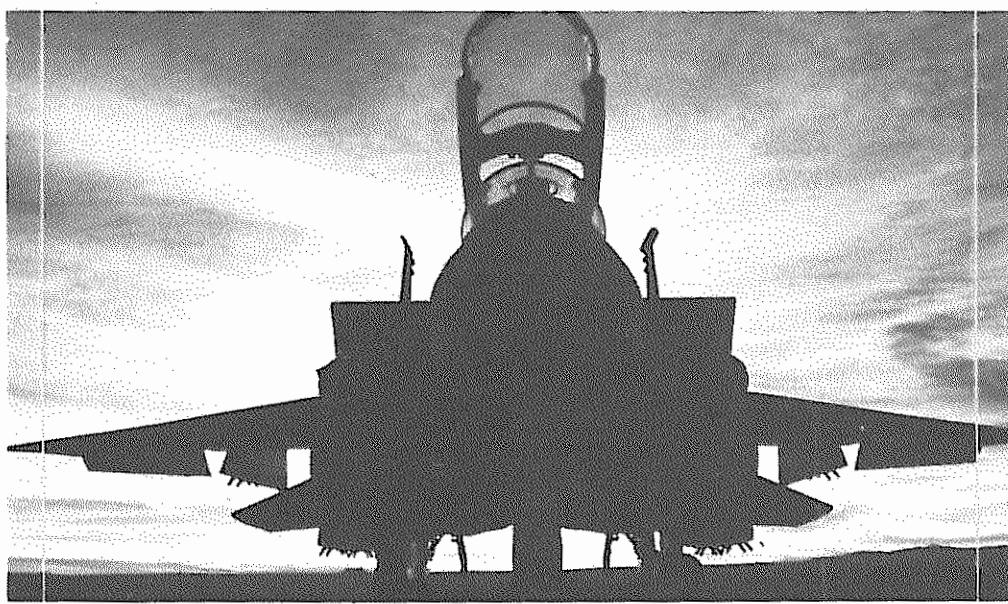
واحد گفته شده است وکیل مدافع از نظر تامین شغلی و احترام با دیگر دست اندرکاران امور قضائی برابر خواهد بود. این نخستین بار است که جمهوری اسلامی حضور وکیل مدافع را در دفاع از متهمین می پذیرد. در طی حکومت جمهوری اسلامی تاکنون مراحل تحقیق و بازرسی و تمام محاکمات بدون حضور وکیل مدافع انجام میگرفت.

این ماده واحد هنوز در مورد کسانی که تحت تعقیب و اتهام ارگانهای سرکوب رژیم قرار می گیرند، صراحت ندارد و معلوم نیست که آنها هم میتوانند از حمایت وکیل مدافع برخوردار باشند.

تعیین سران رژیم در به تصویب رساندن این ماده، بدون شک در ارتباط با قطعنامه ای است که در جلسه آتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیرامون نقض حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی طرح خواهد شد.

گالیندوپل فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران در گزارش خود بخشی را به مدم حضور وکیل خواهد بود. در ادامه این ماده

آخرین تلاشها برای حل مسالمت آمیز بحران



تلاشهای پنهانی رفسنجانی برای رابطه گیری با آمریکا

مدعی شد که سیاست ایران در قبال آمریکا هیچ تغییری نکرده است. سردمدی گفت مسایل مورد ادعای سفیر سابق ژاپن به هیچ وجه در ملاقات با رفسنجانی و

صدای آمریکا خاطر نشان ساخت که هم هاشمی رفسنجانی و هم علی اکبر ولایتی به وی گفته اند که خواهان برقراری روابط عادی با آمریکا هستند زیرا واشنگتن در قبال دو مسئله تحریم اقتصادی علیه ایران و سپرده های مسدود شده ایران در آمریکا ووش مثبت و دوستانه ای اتخاذ کرده است. وی خاطر نشان ساخت هنگامی که به خواستهای آمریکا در مورد آزادی گروگانهای اسیر در لبنان و پایان گرفتن حمایت ایران از تزوریسم اشاره نمود، رئیس جمهور و وزیر خارجه اش به سخنان او با علاقه گوش دادند و آنها را جدی گرفتند.

یک روز پس از اظهارات فوق، علیرضا سردمدی سخنگوی وزارت امور خارجه اظهارات سفیر سابق ژاپن در آمریکا را تکذیب نمود

ماتسیوناگا، سفیر پیشین ژاپن در آمریکا طی مصاحبه ای با رادیو آمریکا در ژاپن به تاریخ ۱۴ دسامبر گذشته نکات تازه ای از تلاشهای دولت رفسنجانی برای عادی سازی رابطه خود با دولت آمریکا را فاش نمود. ماتسیوناگا که اکنون یکی از مشاوران ارشد وزارت خارجه ژاپن است، در اکتبر سال گذشته از تهران دیدار نموده بود. هر چند هدف اصلی این سفر متوجه تحکیم رابطه دو کشور و تبادل نظر حول بحران خلیج فارس عنوان شده بود اما به گفته سفیر پیشین ژاپن در آمریکا وی در ملاقات با هاشمی رفسنجانی و وزیر خارجه او علی اکبر ولایتی، مشکلات روابط واشنگتن و تهران را مورد بررسی قرار داده است. سفیر پیشین ژاپن در مصاحبه با

از گزارش گالیندوپل پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران

گالیندوپل در گزارش خود نخست به سابقه امر نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران از سوی سازمان ملل اشاره می کند، سپس به نقل تماسها و مکاتبات خود با دولت جمهوری اسلامی در طول سال ۱۹۹۰ می پردازد، آنگاه خلاصه اطلاعاتی را که طی همین مدت کسب کرده است برمی شمارد، در قسمت بعدی مشاهداتش در سفر دوم به ایران را گزارش می کند، و بالاخره به جمع بندی بررسی های خود می رسد. ضمائم گزارش عبارتند از یک فهرست حدود ۳۵۰ نفری از اسامی جدید افراد اعدام شده در سالهای اخیر، به عنوان متمم فهرست سال گذشته، یک فهرست ۲۰۲ نفری از زندانیانی که

در تاریخ ششم نوامبر ۱۹۹۰، پروفیسور السوادوری، رینالدو گالیندوپل، گزارش سالانه خود درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را منتشر کرد. گالیندوپل، در سالهای اخیر به عنوان نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، وضعیت حقوق بشر در ایران را زیر نظر داشته است. وی تاکنون دوبار به ایران سفر کرده است: یک بار در ژانویه و

یک بار در اکتبر ۱۹۹۰، اخیرا متن کامل گزارش اخیر گالیندوپل به دست ما رسیده است. بخشهایی از این گزارش را در نشریه چاپ می کنیم.

* * *

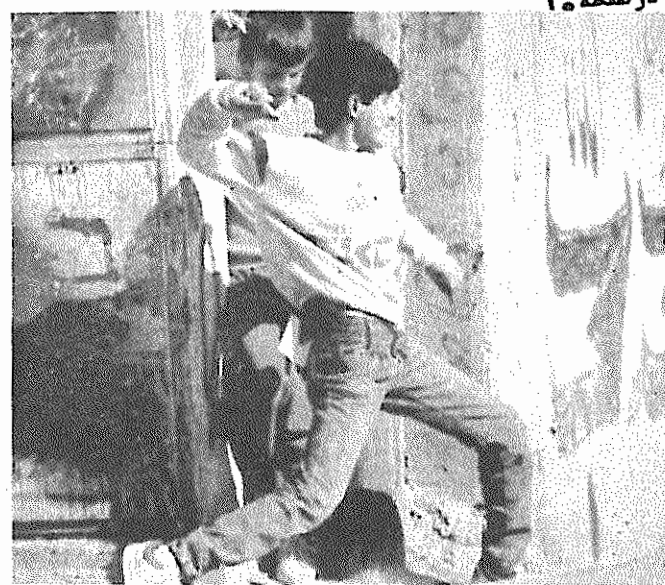
بقیه در صفحه ۳

اجلاس سه جانبه اکودر پاکستان

اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو اکودر تنها یک روز به طول انجامید. مواضع جمهوری اسلامی که اعلام کرده در جنگ بیطرف خواهد بود نسبت به مواضع پاکستان و ترکیه که آشکارا در جبهه آمریکا قرار دارند، متفاوت است. علی اکبر ولایتی در پایان اجلاس یک روزه فوق گفت که وزرای خارجه ۳ کشور خواستار یک اجلاس فوق العاده اسلامی به منظور چاره چویی برای حل مسالمت آمیز بحران شده اند. ولایتی گفت اجلاس ۳ جانبه وزیر امور خارجه پاکستان را موظف کرد که در جهت تشکیل اجلاس فوق العاده سازمان کشورهای اسلامی تا پیش از ۱۵ ژانویه اقدام کند. وزیر خارجه جمهوری اسلامی تاکید کرد که این بحران مربوط به کشورهای اسلامی است و باید توسط آنها حل شود. وی گفت ما تلاش می کنیم تا پیش از پایان ضرب الاجل تعیین شده توسط سازمان ملل متحد عراق و آمریکا را به مذاکره راضی سازیم. علیرغم اظهارات فوق در قطعنامه پایانی اجلاس، تنها عراق به اجرای قطعنامه های سازمان ملل دعوت شده و گفته شده که این کشور باید خاک کویت را تخلیه کند. وزیر خارجه ترکیه پس از

همزمان با نزدیک شدن ۱۵ ژانویه، مهلت تعیین شده از سوی سازمان ملل برای تخلیه خاک کویت توسط عراق، تلاشهای دیپلماتیک در سطح منطقه و سراسر جهان برای جلوگیری از بروز جنگ در خلیج فارس و یافتن راهی جهت حل مسالمت آمیز بحران شدت یافته است. روز ۵شنبه گذشته (۱۳ دی ماه) وزرای خارجه جمهوری اسلامی، پاکستان و ترکیه اجلاس سه جانبه یک روزه ای را در اسلام آباد پاکستان برگزار کردند. هدف این اجلاس بررسی وضعیت بحرانی منطقه و ارائه پیشنهادهایی جهت مهار آن عنوان گردید. علی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی به هنگام ورود به اسلام آباد تاکید کرد که ایران در مورد بحران خلیج فارس بیطرف است و تلاش می کند این بحران بطریق مسالمت آمیز حل شود. علی اکبر ولایتی دخالت جمهوری اسلامی در جنگ احتمالی آینده را کاملا منتفی ندانست و گفت در صورت بروز جنگ از سوی عراق یا آمریکا، ایران اگر لازم شود به دفاع از مرزهای خود خواهد پرداخت. وی با اشاره به مانور زمینی بزرگی که قرار است در آینده نزدیک در ۳ استان مرزی هم جوار با عراق برگزار شود گفت این مانور به منظور آمادگی برای دفاع از مرزهاست.

ناآرامی مجدد در مناطق اشغالی فلسطین



ولایتی مطرح نشده است. اما علیرغم تکذیبهای مکرر وزارت امور خارجه رژیم، تلاشهای پنهانی رفسنجانی و ولایتی برای برقراری رابطه با

بقیه در صفحه ۲

بهای نفت کاهش یافت

به گزارش خبرگزاریها بهای نفت خام هفته گذشته کاهش قابل توجهی یافت و در بازار بورس نیویورک به زیر ۲۵ دلار رسید. مطابق این گزارشها در روز سوم ژانویه یک بشکه نفت خام سبک در بازار بورس نیویورک برای تحویل در ماه آینده معادل ۲۴ دلار و ۹۰ سنت معامله شد. در همین روز نفت برنت دریای شمال برای تحویل در ماه آینده برابر ۲۶ دلار

و مدعی شد که سیاست ایران در قبال آمریکا هیچ تغییری نکرده است. سردمدی گفت مسایل مورد ادعای سفیر سابق ژاپن به هیچ وجه در ملاقات با رفسنجانی و

آیا آمریکا به عراق حمله خواهد کرد؟

آخرین تلاشها برای حل مسالمت آمیز بحران

بقيه از صبحه اول

تشديد تبليغات و تداركات جنگی، پیروزی سیاسی بزرگتری به کف آورد و در این راستا آمریکا آماده است در صورت عدم تمکین عراق به تهدیداتش با توسل به جنگی خونین و ویرانگر که هواتب سیاسی آن برای خودوی نیز تاحد زیادی غیر قابل پیش بینی است، از منافع و نظم دلخواه خود دفاع کند.

طی روزهای اخیر مواضع کشورهای اروپایی خواهان حل مسالمت آمیز بحران خلیج فارس نیز آشکارتر در تقابل با مواضع دولت بوش به نمایش درآمد. به دعوت وزیر خارجه آلمان روز چهارم ژانویه نشست فوق العاده وزرای خارجه کشورهای عضو بازار مشترک اروپا برای جستجوی راههای مسالمت آمیز بحران خاورمیانه در لوکزامبورگ تشکیل شد.

کشورهای اروپای غربی در پشت نزع خاورمیانه اهداف سلطه جویانه رقیب آمریکایی خود در اقتصاد جهانی را می بینند. آنان تلاش میکنند بحران خاورمیانه را به مجرای حل مسالمت آمیز آن هدایت کنند و از بروز جنگ که از نظر اقتصادی در بین کشورهای پیشرفته صنعتی بیشترین ضرر را

مواجه ژاپن و اروپا خواهد کرد، جلوگیری.

در صورت شعله ور شدن آتش جنگ جدا از خسارتهای جانی و روانی بی شمار آن برای سربازان و نظامیان درگیر و مردم غیرنظامی و بی دفاع کشورهای عراق، کویت، عربستان و احتمالاً اسرائیل، لمیب سوزان این انفجار عظیم حتی در صورت عدم سرایت به دیگر کشورهای کوچک و بزرگ همسایه تاثیرات منفی اقتصادی بسیار عظیمی بر اقتصاد همه کشورها از جمله بر کشورهای صنعتی خواهد داشت. پیش بینی افزایش قیمت نفت تا حد حتی ۴۰۰ دلار در چنین شرایطی نمیتواند بکلی بدور از حقیقت باشد و تاثیر چنین قیمتهایی بر سایر هر صدهای اقتصاد تا حدودی قابل لمس است.

شعله ور شدن آتش جنگ همه معادلات و صف بندیهای سیاسی در خاورمیانه غربی را نیز در هم خواهد ریخت و حتی ایجاد برخی تغییرات در رژیم های سیاسی کشورهای منطقه دور از ذهن نیست.

حمله آمریکا به عراق، کشانده شدن مستقیم پای اسرائیل توسط عراق به این جنگ را نیز به دنبال

خواهد داشت. با حضور آشکار اسرائیل در این مناقشه کدام دولت غربی است که بتواند در برابر چشمان مردم خود در کنار سربازان اسرائیلی علیه یک کشور عربی دیگر بجنند؟ آنهم در شرایطی که صدام حسین ماهرانه خود را به عنوان قهرمان مبارزه با صهیونیسم و اسرائیل در دل توده های فلسطینی و عرب جا کرده است؟ و آیا در چنینی شرایطی صف بندی کنونی در منطقه حفظ خواهد شد و آیا آمریکا میتواند از ثبات رژیم متزلزل ملک حسین در اردن و یا ملک فهد در عربستان و مبارک در مصر و ... مطمئن باشد؟

آیا آمریکا به عراق حمله خواهد کرد؟

محافل و سیاستهای مهین و قدرتمندی در آمریکا خواهان جنگ هستند. اما این جنگ برای دولت آمریکا و مردم آن متضمن ضربات و خسارات فراوان نیز خواهد بود، ضمن اینکه بسیاری از هواتب سیاسی و اقتصادی این جنگ نیز قابل پیش بینی نیست.

مقل سلیم در درون هیئت حاکمه آمریکا نیز علیه این حمله و جنگ موضع خواهد گرفت. اما آیا سرنوشت جهان را تنها مقل سلیم رقم میزند؟

۱۰۲ کشور غیر متعمد به تلاشهای خود برای صلح ادامه میدهد. وی در پایان ماه دسامبر سفری به بغداد داشت و بدنبال آن، برای پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت پیامهایی فرستاد. وزیر خارجه یوگسلاوی از عربستان نیز دیدار خواهد کرد. او در بغداد شش بار با طارق عزیز وزیر خارجه و یک بار با صدام حسین رئیس جمهور عراق ملاقات کرد و پس از دیدار با صدام حسین اظهار اطمینان نمود که رئیس جمهور عراق آماده پذیرش یک راه حل مسالمت آمیز است.

در اولین روز سال جدید میلادی، دولت عراق فراخوان جدید حسنی مبارک رئیس جمهور در به عقب نشینی را رد کرد. یک تفسیر خبرگزاری رسمی عراق، مبارک را "دلگدرو فکگو" خواند و افزود: "کویت در گذشته بخشی از عراق بود و در آینده، بخش از عراق خواهد ماند." مبارک روز ۳۱ دسامبر صدام حسین را فراخوانده بود که "شجاعت" نشان داده عقب نشینی از کویت را بپذیرد. فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه نیز صدام حسین را دعوت به تامل کرد. او در پیام سال نو گفت تخلیه کویت راه مذاکره درباره سایر مسائل منطقه را خواهد گشود.

هفته گذشته هر اترسیج جنگی خود را تشدید کرد و حوانان ۱۷ ساله را به خدمت سربازی فراخواند. وزیر بهداری عراق ادعا کرد تاکنون در کشورش به هلت کمبود داروی ناشی از تحریم سازمان ملل، بیش از ۴۲۰۰ تن جان سپرده اند.

دولت آمریکا نیز اعلام کرد ۲۶۶۷ تن دیگر از افراد گارد ملی و نراتر بذخیره برای کمک به عملیات "سپر صحرا" احضار شده اند.

روزنامه تایمز چاپ لندن به نقل از نظامیان کشورهای منطقه نوشت عراق در نخستین روزهای جنگ شکست خواهد خورد. طبق این گزارش، این نظامیان با اطلاع از وضعیت نیروهای مسلح عراق گفته اند که روحیه این نیروها بسیار ضعیف شده است. بسیاری از سربازان وظیفه، از سال ۱۹۷۵ تاکنون مرخص نشده اند. همچنین گزارشهایی حاکی است سربازان گرسنه عراقی در خط مقدم از نیروهای آمریکایی غذا گرفته و در عوض به آنها اجازه داده اند که تجهیزاتشان را بازرسی کنند. مارشال ابوفزاله وزیر دفاع پیشین مصر میگوید ادعای عراق مبنی بر در اختیار داشتن تسلیحات مدرن، توخالی است.

با کشته شدن دو سرباز دیگر آمریکایی طی دو سانحه در عربستان، شمار نظامیان آمریکایی که تاکنون در ارتباط با عملیات "سپر صحرا" جان خود را از دست داده اند، به ۸۳ نفر رسید.

در حالیکه چند روز بیشتر به پایان مهلت تعیین شده در اولتیماتوم سازمان ملل به عراق نمانده است، تلاشهای آخر برای حل صلح آمیز بحران خلیج فارس صورت میگیرد. کنفرانسهای مختلف تشکیل میشود و سیاستمداران و دیپلماتها اقدام به مسافرت های پی در پی میکنند. جامعه اروپا فرستاده های به بغداد گسیل میدارد. بیکر وزیر خارجه آمریکا برای ملاقات با طارق عزیز به ژنو می رود. ملک حسین پادشاه اردن از اروپا دیدن میکند. کشورهای غیر متعمد نیز فعال شده اند.

در روز پنجشنبه سوم ژانویه جرج بوش پیشنهاد ملاقات وزرای خارجه دو کشور عراق و آمریکا را در سوئیس مطرح کرد وی گفت این ملاقات می بایست بین ششم تا نهم ژانویه صورت پذیرد. این پیشنهاد از سوی سخنگوی کاخ سفید بعنوان آخرین شانس برای حل مسالمت آمیز بحران تلقی شد طبق گزارش خبرگزاری ها در روز شنبه پنجم ژانویه ملاقات طارق عزیز و بیکر در ژنو قطعیت یافت.

دان کوئیل معاون رئیس جمهور آمریکا که در آخرین روزهای سال ۱۹۹۰ از عربستان دیداری بعمل آورد. با تشنج جابرا ل اخمد الصباح امیر تبعیدی کویت دیدار کرد تا از او تقاضای کمک مالی بیشتری به عملیات "سپر صحرا" را بخواهد. ارتش آمریکا در عربستان کند. پیش از آن، معاون بوش توانست از ملک فهد پادشاه عربستان قول مساعد برای کمک مالی بیشتر بگیرد. به گفته کوئیل، جنگ در منطقه "سریع و تعیین کننده" خواهد بود. وی در دیدار با نیروهای آمریکایی در صحرائ عربستان به آنها قول داد که پس از "انجام وظیفه" به خانه بر خواهند گشت.

ملک حسین پادشاه اردن هفته گذشته سفری به چند پایتخت اروپایی، از جمله پاریس و لندن داشت. ملک حسین گفت که در چارچوب ابتکار صلح شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر عمل میکند و خواهان اتخاذ یک مشی مستقل از سوی کشورهای اروپایی است.

وزیر خارجه لوکزامبورگ که کشورش در آغاز سال جدید ریاست جامعه اروپا را برعهده گرفت، در نشست وزرای خارجه این جامعه در روز چهارم ژانویه ماهوریت یافت به بغداد سفر کند. وزیر خارجه لوکزامبورگ گفت در صورت سفر به عراق به دولت این کشور خواهد گفت که عراق باید بدون چون و چرا از مصوبات سازمان ملل پیروی کند و تعارضات عقب نشینی کامل از کویت، سایر مسائل خاور میانه قابل حل خواهد بود.

وزیر خارجه یوگسلاوی نیز به عنوان نماینده

تلاشهای پنهانی رفسنجانی برای رابطه گیری با آمریکا

بقيه از صبحه اول

امریکا، واقعیتی است که مدتهاست از پرده بیرون افتاده و روشن شده است که رئیس جمهور دورو و دروغگوی آخوندها هیچ فرصتی را برای چراغ دادن به وا شنگتن از دست نمی دهد. تنها در چند ماهه پس از بحران خلیج فارس حافظ اسد و تورگوت اوزال روسای جمهوری سوریه و ترکیه و اخیرا نیز معلوم شده است که سفیر پیشین ژاپن در امریکا واسطه و دلال مناسبات دولت رفسنجانی با امریکا بوده اند. دیپلماسی پنهانی رفسنجانی برای رابطه گیری با امریکا هر چند از ترس روحیه همومی ضد امریکایی حاکم بر ایران و مخالفت شدید جناحهایی از حاکمیت است، اما

در همین حال نشانگر روشهای خیانت آمیز و توطئه گرانه جناح او برای پیش برد این رابطه می باشد. در پشت پرده ماندن مناسبات رفسنجانی با امریکائیان وی را قادر می سازد تا با دست بازتری به مصالحه بر سر منافع ملی ایران اقدام کند و امتیاز بدهد.

صمیمی است که چیز نیروهای عقب مانده و اجنبی ستیز درون حکومت کسی نمی تواند مخالف رابطه برابر حقوق و هلنی با همه کشورهایی که سازمان ملل رابطه با آنها را مجاز می شناسد باشد. اما رابطه رفسنجانی با امریکائیان نه هلنی است و نه برابر حقوق، رابطه ای است مزورانه و تابع منافع جناح او که به برقراری رابطه با امریکا برای تحکیم موقعیت خویش نیاز دارد.

نه می تواند و نه می خواهد از موضع دفاع از منافع ملی، موضوع پیچیده "رابطه با آمریکا" را مورد بررسی قرار دهد.

تکیه بر مردم نیست و به عنوان یکی از موثرترین مهره های حکومت فقا در تمام فجایع ضد میهنی و ضد مردمی حکومت دوازده ساله ج.ا.م مشارکت موثر و درجه اول داشته، به این مسئله حیاتی از دریچه تنگ و خود فرضانه بقای باند خویش می نگرد و هم از اینروست که آنچه را از چشم "دشمن" پنهان نیست، از چشم مردم که در منطق رسمی حکومت "دوست" تلقی می شوند، پنهان می دارد.

جمهوری اسلامی بار دیگر حکم خمینی مبنی بر قتل نویسنده کتاب آیات

شیطانی را مورد تاکید قرار داد

روز چهارشنبه چهارم دی ماه دفتر خامنه ای طی اطلاهیه ای بار دیگر بر تغییر ناپذیر بودن حکم اعدام سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی تاکید کرد. دفتر خامنه ای صدور این اطلاهیه را در پاسخ به "سوالات متعدد" اعلام داشته است.

در این اطلاهیه خاطر نشان شده است که در پی اخبار مربوط به تبری جستن سلمان رشدی، خامنه ای اعلام کرده که: حکم تاریخی و تغییر ناپذیر امام خمینی بر جای خود باقی است و سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان بشود تغییری در حکم بوجود نخواهد آمد. خامنه ای در این اطلاهیه خاطر نشان ساخته است که "مسلمان نهانها" در شایعات مربوط به تبری جستن سلمان رشدی و تشبثات مربوط به آن نقش داشته اند.

همزمان با این، سلمان رشدی در مصاحبه با خبرنگاری ها اعلام

اتلاف با رفسنجانی به تصفیه تندروها مشغول بود، علیرغم نطق های آتشین ضدامپریالیستی، در این مورد حاضر به اظهار نظر نشد و سکوت را ترجیح داد. به خوبی روشن بود که جناح حزب الله به اعلام تعهد مجدد در سطحی مثل وزارت خارجه راضی نیست و تایید خامنه ای را در این زمینه می طلبد.

"سوالات متعدد" و فشارهای جناح تندرو، سرانجام خامنه ای را به موضع گیری آشکار در مورد تغییر ناپذیری حکم خمینی کشاند و صدور اطلاهیه دفتر وی از سوی تندروها بمثابة یک پیروزی تلقی شد که به کمک آن چوب بیشتری لای چرخ روابط پرشتاب رفسنجانی با دنیای غرب و بویژه انگلستان بگذارند.

جدا از کشمکش های درونی، تایید مجدد حکم خمینی توسط خامنه ای، نشانه بارزی از ادامه برخورد جنایت کارانه

کرد که به دین اسلام گرویده و انتظار دارد که در پناه رحمت اسلامی قرار گیرد. اما گرویدن سلمان رشدی به دین اسلام هیچ گونه واکنش مثبتی در میان مقامات جمهوری اسلامی برنینگیشته است و آنان همچنان در صدد قتل وی هستند.

حساسیت نسبت به موضوع سلمان رشدی از هنگام از سرگیری مجدد روابط ایران و انگلیس و بدنبال اظهار نظر مقامات انگلیسی در مورد تعهدات سپرده شده توسط دولت رفسنجانی نسبت به نادیده انگاشتن حکم خمینی آغاز شد. جناح حزب الله بدنبال انتشار این اظهار نظرها، فشارهای شدیدی را برای زنده نگاهداشتن حکم خمینی آغاز کرد و بسیاری از مقامات و از جمله وزارت خارجه را مجبور به موضع گیری مجدد در مورد این مسئله ساخت. اما خامنه ای "رهبر انقلاب" که در

حکیم ابوالقاسم فردوسی هم طرفدار ولایت فقیه شد!

اما در این کنگره همه چیز به سود آخوندها تمام نشد و فرصتی گردید تا ادیبان و هلاکمدان واقعی فرهنگ و ادبیات ایران گردهم آیند و در راه اهتلائی نام فردوسی و شاهنامه کوششهایی بکنند. همانان خواستار گسترش تحقیقات در مورد زبان فارسی و گشایش مرکزی برای هماهنگ کردن فعالیتها و تحقیقات مربوط به آن گردیدند و پیشنهاد دادند همه نسخه های کهن شاهنامه و نقدهای نوشته شده متنی را فراهم آورد که از هر جهت مورد قبول شاهنامه شناسان جهان باشد. از جمله خواسته های دیگر شرکت کنندگان در کنگره ایجاد جایزه ای بنام جایزه فردوسی بود که هر سال به بهترین تحقیق در مورد وی و شاهنامه تعلق گیرد. کنگره از ایده تشکیل انجمن بین المللی استادان زبان و ادب پارسی نیز استقبال نمود.

فعالتهای بین المللی و داخلی دستداران ادب ایران برگزار گردید. اما طرفداران رژیم در قطعنامه پایانی این کنگره جملاتی را وارد ساختند که انگیزه علاقه ناگهانی آخوندها به فردوسی را برملا نمود. در این قطعنامه گفته شده است: بزرگداشت هزارمین سال تدوین شاهنامه و شخصیت فردوسی بیشتر به این جهت است که فردوسی حکیم روح توحید و خداپرستی و نبوت و ولایت را خردمندانه در کالبد تاریخ این سرزمین دمیده و هویت ایران اسلامی را بر بنیان باورهای توحیدی بنا نهاده است!

بدین ترتیب دلیل فردوسی دوستی آخوندها روشن شد و البته این دلیلی بردرماندگی و هومفریبی مغرطابین حضرات نیز هست که برای مشروعهت بخشیدن به سیستم نامشروع ولایت فقیه خود، این بار به دامن حکیم ابوالقاسم فردوسی او یخته اند!

پایان اجلاس ابراز امیدواری کرد که از بروز جنگ جلوگیری شود. وی گفت ترکیه تا مورد همه قرار نگیرد در جنگ شرکت معتقدند کرد، آگاهان سیاسی معتقدند بنظر نمی رسد که تلاش ایران برای برگزاری اجلاس سازمان کشورهای اسلامی تا پیش از ۱۵ ژانویه به نتیجه ای برسد.

رژیم اسلامی با مخالفان عقیدتی خود و دشمنی آشتی ناپذیر آن با آزادی و دموکراسی می باشد. رژیمی که برای قتل نویسنده ای دگر اندیش در گوشه ای از دنیای یک میلیون دلار جایزه تعیین می کند و تیم های تروریستی پرورش می دهد خطر و تهدیدی است برای آزادی و دموکراسی در سراسر جهان.

اجلاس سه جانبه اکو در پاکستان

از گزارش گالیندوپل پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران

بقیه از صفحه اول

جمهوری اسلامی موافقت شده است. جمهوری اسلامی رسماً از صلیب سرخ جهت انجام چنین سفرهایی دعوت کرده است. تمایل گالیندوپل به انجام سفر دوم، در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۰ به سیروس ناصری سفیر جمهوری اسلامی در مقر سازمان ملل در ژنو ابلاغ شده است. جمهوری اسلامی با انجام این سفر موافقت کرده است. نخست قرار بر این بوده که سفر مزبور در اواخر اوت یا اوایل سپتامبر انجام گیرد، اما به علت کسالت گالیندوپل تاریخ سفر به نهم تا پانزدهم اکتبر ۱۹۹۰ موکول شده است.

اطلاعات بدست آمده پیش از سفر به ایران

در بخش اطلاعات جمع آوری



شهری

شده پیش از سفر گالیندوپل به ایران، گزارش وی شامل موارد متعدد اخبار منتشره در رسانه های رسمی جمهوری اسلامی درباره اعدام افراد تحت عنوان قاچاقچی، جاسوس و ضدانقلابی است. در این بخش همچنین به اطلاعات بدست آمده از منابع غیردولتی، اشاره شده است. به عنوان نمونه در بند ۳۰ گزارش آمده است:

«روزنامه های چندین کشور، اظهارات میترا معرز ۲۱ ساله را منتشر کرده اند که وی در آن ادعا کرده که شاهد مرگ یک زن ۳۷ ساله و دو مرد ۱۸ ساله در یک زندان ایران از طریق سوزاندن قربانیان بوده است. طبق این گزارشها، دو پاسدار به اسامی جمشید سمرایی و مجتبی حلوائی، این سه نفر را به درون شعله های آتش افکندند. گزارشهای مزبور حاکی است میترا معرز از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴ به علت شرکت در تظاهرات ضد حکومتی زندانی بوده و پیش از بازجویی به مدت ۸۵ روز تحت شکنجه قرار داشته است. او پس از آزادی به دیدن خانواده یکی از دو مرد جوان به نام اصغر قربانی ملکی رفته است. خانواده ملکی به او گفته است که پاسداران زندان برای آنها جعبه های حاوی خاکستر اصغر را آورده اند و در نتیجه شوک ناشی از این واقعه، پدر مرد جوان خودکشی کرده است.»

بندهای ۳۱ تا ۳۳ گزارش حاکی است:

«عباس رئیسی، یک افسر نیروی دریایی مستقر در چاه بچار، طبق یک گزارش در حوالی سپتامبر ۱۹۸۹ در چاه بچار به اتهام نامعلومی بازداشت شد. منبع خبر، این استنباط را دارد که دستگیری وی

و نیز بازداشت گروهی از افراد دیگر، مربوط به واقعه فراری دادن یک مخالف حکومت از جمهوری اسلامی ایران است. این فرد، دوست نزدیک و خویشاوند دور عباس رئیسی بوده است. گروه دستگیر شده همزمان با رئیسی، شامل دو خویشاوند دیگر فراری و نیز برادر او بنام محمدکریم نارویی، رئیس اداره پست چاه بچار بوده است. نارویی در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۶۸ بدنبال محکوم شدن به مرگ طی محاکمه ای که روز قبل از آن انجام گرفت، در زاهدان اعدام شد. آقای رئیسی که گفته شد یا در چاه بچار و یا در زندان زاهدان زندانی است، طبق این گزارش در معرض خطر اعدام قرار داشت، اتهامات علیه وی نامعلوم بود و معلوم نبود که محاکمه شده است یا نه. نماینده ویژه، طی نامه ای به تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۹۰ خواهان اطلاع از اتهام وارده به آقای رئیسی، محاکمه یا عدم محاکمه او... شد... نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران در مقر سازمان ملل متحد در ژنو طی نامه مورخ ۲۶ آوریل ۱۹۹۰ پاسخ داد که آقای رئیسی به اتهام همدستی با عراق در جریان جنگ تحمیلی محاکمه و محکوم به اعدام شده است. حکم اعدام پس از انجام تشریفات لازم قضایی اجرا شده است...»

در بند ۴۳ گزارش آمده است:

«نماینده ویژه، به شدت از خبر قتل آقای کاظم رجوی نماینده شورای ملی مقاومت نزد چند ارگان سازمان ملل در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۹۰ در شهر کوپه سوئیس تکان خورد. همه آنهایی که آقای رجوی را می شناختند همیقا از این حادثه در ناک متاثر شدند... نامه های متعددی حاکی از اینکه این قتل توسط ماموران حکومت ایران انجام گرفته است، واصل شد... نماینده ویژه از دولت سوئیس خواسته است که هرگونه اطلاعات که قابل ارائه به او باشد، در مورد نتایج تحقیقات در این باره در اختیار او قرار گیرد. تا هنگام تکمیل گزارش حاضر، نماینده ویژه اطلاعات درخواستی را دریافت نکرده بود.»

بند ۴۴ می افزاید:

«قتل آقای رجوی نزد کسانی که برای دادن اطلاع پیرامون حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران به مقر سازمان ملل در ژنو می آیند، ایجاد واهمه کرده است. آنها دست به تدابیر احتیاطی بیشتری زند تا جلب توجه نکنند خواهان مراقبت ویژه پلیس شده اند.»

در بند ۵۳ گزارش آمده است:

«نماینده ویژه در نامه ای به تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۹۰ خواهان کسب اطلاع درباره وضعیت آقای نورالدین کیانوری، دبیر اول سابق حزب توده شد که در جریان سفر اول خود به جمهوری اسلامی ایران با او در زندان اوین ملاقات کرده بود. طبق گزارشهای واصله، آقای کیانوری اندکی پس از ترک تهران توسط نماینده ویژه به حبس انفرادی منتقل شده و دیگر اجازه ملاقات با بستگان خود را نیافته بود.»

در بند ۵۴ آمده است:

«همچنین به اطلاع نماینده ویژه رسیده است که خانم مریم

فیروز همسر آقای کیانوری علیرغم سن بالا و وضع بدسلامتی اش به سلول انفرادی انتقال یافته است.»

این گزارش همچنین به موارد متعدد دیگری از شکنجه و بدرفتاری بازندان، با ذکر نام و نشان مشخص می پردازد. در ادامه گزارش، به موارد نقض حقوق زندانیان در استفاده از کمک وکیل مدافع و محاکمه شدن طبق اصول شناخته شده بین المللی اشاره شده است. از جمله، گزارش موارد زیر را برمی شمارد:

«خانم میترا عاملی، ۳۶ ساله، پزشک، فرزند ضیاءالدین و اقدس گزارش شده است که او در نهم اکتبر ۱۹۸۴ بازداشت و به هفت سال زندان محکوم شد. همسر او، انوشیروان لطفی، از رهبران سازمان فدائیان خلق ایران، در ۱۹۸۳ دستگیر و در ۱۹۸۸ اعدام شد. دختر او، خاطره، در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۸۴ در زندان بدینا اعدام شد. در آوریل ۱۹۸۴، این نوزاد برای نگهداری در خارج از زندان، به مادر میترا عاملی تحویل داده شد. گزارش شده است که آزادی خانم عاملی که باید در سال ۱۹۹۰ انجام گیرد، به ابراز انزجار علنی او از فعالیت های همسر فقیدش منوط شده است.»

آقای راجر کوپر، بریتانیایی، ۵۵ ساله، تاجر، گزارش شده است که او در ۷ دسامبر ۱۹۸۵ به علت ماندن در ایران پس از انتضی مدت ویزای خود دستگیر شد. گفته می شود که او بدون اتهام مشخص زندانی شد و تا اوت ۱۹۸۶ از هرگونه ملاقات با نمایندگان دولت متبوع خود محروم بود. وی در ماههای اول پس از دستگیری ملنا متمم به جاسوسی برای بریتانیا شد...»

خانم زهره قائنی، حدوداً ۳۵ ساله، استاد دانشگاه و عضو هیات تحریریه یک نشریه زنان سازمان جوانان حزب توده بنام آدرخش... همسر او، آقای کیومرث زرشانس... در پاییز ۱۹۸۸ اعدام شد...»

در این قسمت همچنین از دکتر فاطمه ایزدی همسر فریبرز صالحی ندایی خلق که در ۱۹۸۸ اعدام شد، فاطمه حسین زاده طوسی مقدم مشهور به گیتی آذرتنگ، توده ای، اعدام شده در سال ۱۹۸۸، ملکه محمدی همسر محمد پورهرمزبان و زهره تنکابنی در زمره زندانیانی که حقوق آنها نقض شده، نام برده شده است.

بخش دیگری از گزارش به کنترل مکالمات تلفنی و مکاتبات پستی توسط معلولین جنگی و الزام چاپخانه ها به کسب اجازه از وزارت ارشاد برای چاپ هر مطلب اختصاص دارد.

طبق گزارش گالیندوپل، وی در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۹۰ نامه ای به نماینده جمهوری اسلامی در مقر سازمان ملل در ژنو ارسال داشته و نگرانی خود را از دستگیری عبدالعلی بازرگان، هزرت الله سبحانی، رضا صدر، حسین بنی اسدی، شمس شمشجانی، نورعلی تابنده، یدالله شمس اردلان، علی اردلان، روشن اردلان، فرهاد سبحانی، عباس قائم صباحی، خسرو منصوریان، هاشم صابقیان، محمد توسلی و اکبر زربنه باف، از

امضاکندگانش نامه ۹۰ نفره به رفسنجانی، به اطلاع وی رسانده و خواهان کسب اطلاع از اتهامات وارده به آنها شده است.

در بند ۷۶ گزارش آمده است:

«گزارشهایی حاکی است که هنگام سفر اول نماینده ویژه، چندین نفر که تلاش کرده بودند با وی در محل دفتر برنامه توسعه ملل متحد در تهران تماس بگیرند، توسط ماموران حکومت از این کار منع شده اند و ماموران آنها را برای بازجویی به چند مقر کمیته برده اند. بطور مشخص، گزارش شد که یک زن وشوهر (که اسامی آنها به نماینده ویژه تسلیم شده است) بدین طریق به کمیته خیابان مطهری در مرکز تهران برده شده اند. مورد بازجویی و تجدید قرار گرفته اند و آنها را وادار به امضای یک تعهد کتبی مبنی بر عدم تماس با نماینده ویژه و یک عضو هیات او کرده اند. طبق این گزارش، افراد سپس بارها تهدید به مرگ شده و به کمیته برده شده اند. همچنین گفته می شود تعداد زیادی از شاکیان بالقوه (زندانیان سیاسی سابق یا بستگان افراد اعدام شده) از طریق تلفن تهدید شده و یا به مقرر کمیته و دادستانی انقلاب احضار شده اند و به آنها به تهدید به زندان و اعدام گفته شده است که از مراجعه به نماینده ویژه اجتناب کنند.»

گزارش گالیندوپل حاکی است رژیم جمهوری اسلامی «شاهدانی» را به عنوان اعضای سابق مجاهدین و بستگان «قربانیان» اعمال تروریستی، به ژنو فرستاده و گالیندوپل با آنها ملاقات کرده است. این افراد در اظهارات خود از حکومت تقاضای دفاع و به مجاهدین حمله کرده اند. در مورد نقض حقوق اقلیت های مذهبی، گزارش گالیندوپل به توضیحات علیه مدارس ارمینی اشاره دارد. بخش ویژه ای به دستگیری، اعدام، آزار و مصادره اموال یهانیان اختصاص یافته است. طبق این گزارش، حقوق بازنشستگی افراد بهایی قطع می شود و حتی در یک مورد، یک فرد بهایی را دستگیر کرده اند و به او گفته اند تا زمانی که حقوق ۱۴ سال بازنشستگی خود را پس ندهد، آزاد نخواهد شد.

گزارش سفر دوم به ایران حدود نیمی از کل گزارش، به مشاهدات گالیندوپل در سفر دوم خود به ایران از نهم تا پانزدهم اکتبر ۱۹۹۰ اختصاص دارد.

در گزارش آمده است که گالیندوپل خواهان ملاقات با آیت الله منتظری شده بود. این ملاقات به درخواست منتظری نخست از دهم به دوازدهم اکتبر موکول شد و باز توسط منتظری به کلی لغو گردید.

برنامه رسمی سفر گالیندوپل شامل ملاقات با مقامات وزارت خارجه، وزارت اطلاعات، دادستانی مواد مخدر، وزارت کشور، وزارت ارشاد، دادگاه انقلاب اوین، رئیس دیوان عالی کشور، رئیس قوه قضائیه و معاونین او و نیز دیدار از زندان اوین، ملاقات با زندانیان و شرکت در یک جلسه محاکمه در اوین بوده است.

مقامات وزارت خارجه جمهوری اسلامی، از جمله ولایتی وزیر خارجه و متکی معاون او، در گفتگو با گالیندوپل اظهار داشته اند که می خواهند «همکاری» با نماینده ویژه را ادامه دهند. آنها خواهان تغییر موضع کمیسیون حقوق بشر در قبال جمهوری اسلامی شده اند و تعدید کرده اند که در تغییر این صورت «فکر عمومی کشور ممکن است سیاست رسمی همکاری با نماینده ویژه و کمیسیون حقوق بشر را یک خطا ارزیابی کنند». ولایتی به گالیندوپل گفته است که به نظر جمهوری اسلامی نظارت بین المللی بر وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران نباید بطور «نامحدود» ادامه یابد و جمهوری اسلامی بطور رازمدت چنین نظارتی را تحمل نخواهد کرد. گالیندوپل از قول ولایتی نوشته است: «اگر کمیسیون حقوق بشر، موضع خود در قبال این کشور را تغییر ندهد، برخی تدریها در درون کشور چنین استدلال خواهند کرد که نتیجه گیری های مندرج در گزارشهای نماینده ویژه و سفرهای وی به این کشور و همچنین رای های داده شده در کمیسیون، انگیزه سیاسی دارد.»

مقامات اطلاعاتی و امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی در ملاقات با گالیندوپل افسانه هایی در مورد تکنیک قوا در جمهوری اسلامی، عدم مداخله وزارت اطلاعات در محاکمات، بهره مندی متهمان از حق مشورت با وکیل و غیره سرهم بندی کرده اند که ارزش تکرار ندارد. گالیندوپل ادعاهای مزبور را در گزارش خود آورده است.

در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۹۰، گالیندوپل از زندان اوین بازدید کرده است. مسئولان زندان به او گفته اند که در تاریخ مزبور حدود ۲ هزار زندانی در اوین نگهداری می شده اند که به ندرت آنها در رابطه با قاچاق مواد مخدر، ۳۵ درصد آنها در ارتباط با جرائم هادی و تنها ۵ درصد آنها (۱۰۰ تا ۱۰۵ نفر) به دلایل سیاسی زندانی شده اند. طبق اظهارات این مسئولان، همه زندانیان سیاسی استان تهران در اوین به سر می برند. در بند ۲۲۲ گزارش همچنین آمده است: «مقامات زندان از اینکه نماینده ویژه برای ملاقات حضوری عمدتاً افرادی را انتخاب کرده است که به عنوان مخالف حکومت شناخته شده و یا اخیراً دستگیر شده اند اظهار تاسف کردند زیرا برای مقامات فرصت کافی جهت تاثیرگذاری مثبت بر نظرات انحرافی آنها وجود نداشته است.» (۱)

گالیندوپل در گزارش خود می افزاید: «از آنجا که نماینده ویژه قبلاً از بخشهای مختلف زندان اوین بازدید کرده بود، خواهان آن شده که دیدارشان این بار صرفاً به ملاقات با ۲۶ زندانی اختصاص یابد که خود انتخاب کرده بود. ۲۶ اسمی که در نهم اکتبر ۱۹۹۰ به مقامات داده شد مربوط به مواردی بود که نماینده ویژه درباره آنها اطلاعات مغلصه معینی دریافت کرده بود. این موارد را می توان به شرح زیر بقیه در صفحه ۷

از رویدادهای ایران

تصویب خرید نفت از ایران در کنگره آمریکا

بموجب لایحه‌ای که در کنگره آمریکا به تصویب رسیده و از تایید جرج بوش رئیس جمهور آمریکا هم گذشته است، کمپانیهای امریکائی بعد از این میتوانند بصورت تک معامله‌ای از ایران نفت وارد کنند ولی بشرط آنکه بهای نفت را به صندوق دادگاه ویژه لایحه پردازند و مستقیماً به حکومت جمهوری اسلامی پرداخت نمایند. حسینی سرپرست امور بین المللی وزارت نفت جمهوری اسلامی در این رابطه گفت ایران آماده است به امریکا نفت بفروشد ولی تاکید کرد که عقیده خود را بیان میدارد و این اظهار نظر رسمی دولت رفسنجانی نمی باشد وی اضافه کرد تصور نمی کند که ایران با پیشنهاد امریکا مخالفت ورزد. چون ایران با فروش نفت به امریکا میتواند وامهای آینده را مستهلک سازد ولی هنوز ایران با شرکتی امریکایی تماس نگرفته است.

حل بخشی از دعوای مالی ایران و فرانسه

در هفته گذشته وزیر اقتصاد فرانسه تایید کرد که دادگاه ژنو به شرکت فرانسوی یورودیس دستور داده است که مبلغ ۱۸۵ میلیون دلار به حکومت جمهوری اسلامی بپردازد. وی افزود صدور این حکم تنها بخش کوچکی از دعوای مالی ایران و فرانسه می باشد که هم اکنون در دادگاههای مختلف در دست رسیدگی قرار دارد. خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد که این شرکت وظیفه دارد نیمی از این مبلغ را فوراً بپردازد و بقیه آن را تا دو سال دیگر مستهلک سازد. فرانسه بابت خسارت به شرکتی که قرار دادهای آن با ایران در جریان روی کار آمدن جمهوری اسلامی نقض شد، حدود دو میلیارد دلار مطالبه کرده است.

تظاهرات در برابر سفارت انگلستان در تهران

جمعی از دانشجویان و افراد حزب الهی روز شنبه گذشته در برابر سفارت انگلیس در تهران دست به تظاهرات زدند. خواست تظاهرکنندگان آزادی مهر داد کوکبی دانشجوی حزب الهی از زندان انگلیس بود. مهر داد کوکبی ۱۳ ماه پیش به دنبال تلاش برای به آتش کشیدن کتاب معروف آیت شیطان نوشته سلمان رشدی توسط پلیس انگلستان دستگیر شد و از آن هنگام تاکنون در زندان به سر می برد. عناصر تندرو حکومت بازداشت کوکبی در انگلستان را بهانه ای برای تخریب روابط احیا شده دولت رفسنجانی با این کشور قرار داده اند و تاکنون چندین بار کوشش کرده اند که به این بهانه مانع از سرگیری و بهبود روابط جمهوری اسلامی با انگلستان شوند. همزمان با تظاهرات آخر تندروها همسر مهر داد کوکبی همراه با فرزندان خود در مقابل سفارت انگلستان دست به تحصن زد و اعلام کرد این تحصن را تا آزادی همسرش ادامه خواهد داد.

در این میان کاردار سفارت انگلستان در تهران روزنامه جمهوری اسلامی مبنی بر خودداری انگلستان از دادن ویزا برای شرکت گروهی از دانشجویان وابسته به رژیم در دادگاه کوکبی را تکذیب کرد و گفت هیچ کدام از این دانشجویان که تعداد آنها ۱۳ نفر ذکر شده است - هنوز تقاضای ویزا از سفارت نکرده اند.

کمبود آب و افزایش ساعات قطع برق

کمبود بارندگی امسال موجب کاهش میزان آب در کشور گردیده است. کشاورزان ایران از کمبود آب نگران هستند. خشکسالی امسال در همین حال موجب کاهش تولید برق گردیده است. خبرگزاری جمهوری اعلام کرد طی چند روز اخیر قطع برق در تهران و چندین شهرستان سه ساعت بیشتر از قبل بوده است. در تهران و برخی شهرهای بزرگ دیگر در طول روز دو ساعت برق قطع میشود. خاموشی برق موجب شده

اجرای مانور در ۳ استان مرزی کشور

رژیم اسلامی در صدد اجرای یک مانور بزرگ زمینی در مرزهای غربی کشور است. این مانور که از هفته آخر دی ماه در سه استان مرزی ایلام، باختران و خوزستان انجام می شود، یک ماه به طول خواهد انجامید. ولایتی وزیر خارجه رژیم در سفر اخیر خود به اسلام آباد هدف از این مانور را آمادگی جمهوری اسلامی برای دفاع از مرزها در صورت وقوع جنگ در خلیج فارس اعلام کرد. اوایل آذرماه نیز مانور مشترک نیروهای دریایی ارتش و سپاه پاسداران در آبهای جنوبی کشور برگزار گردیده بود. بدنبال این مانور شمعخانی، فرمانده نیروی دریایی، بطور همزمان به سمت فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران منصوب گردید. تعیین فرماندهی واحد برای نیروی دریایی ارتش و سپاه، به منظور تمرکز هر چه بیشتر قدرت دریایی جمهوری اسلامی عنوان شده است.

سفر یک هیئت عراقی به تهران

روز چهارشنبه ۱۲ دی ماه یک هیئت عراقی به ریاست ریاض القیسی مدیرکل امور بین المللی در وزارت خارجه عراق وارد تهران شد. هدف این هیئت مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی در مورد مسافرت زائران ایرانی به اماکن مقدس شیعیان در عراق اعلام شده است و این در حالی است که اختلافات موجود میان دو رژیم در مورد آزادی کامل اسرا و هلاکت گذاری های مرزی هم چنان به قوت خود باقی است. گفته می شود اختلاف نظر در مورد هلاکت گذاری مرزها بسیار جدی است و عراق مدعی مالکیت برخی از مناطق مرزی ایران که دارای منابع سرشار نفتی هستند، می باشد.

اخیراً نیز هلی اکبرولایتی در سفر به فرانسه و ضمن مصاحبه با تلویزیون آن کشور فاش ساخت که عراق قرار داد ۱۹۷۵ را به طور مشروط پذیرفته است! رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه با سر و صدای بسیار از فتح و پیروزی و تحمیل خواستهای خود بر رژیم عراق سخن می گوید، اما هرگز گزارشات و اطلاعات واقعی در مورد میزان توافقات دو رژیم و اختلافات باقی مانده منتشر نمی سازد.

افزایش دستمزد

حقوق بگیران

حکومت جمهوری اسلامی که با ناراضی و اعتراض روزافزون اقشار زحمتکش جامعه نسبت به افزایش سرسام آور قیمت کالاها و خدمات، روبرو است. در هفته های اخیر برای جلوگیری از حدت یابی این اعتراضات، به اقدامات نیم بند دست زده است. در هفته گذشته نیز در جلسه شورای عالی کار که با شرکت نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان تشکیل شد با افزایش ماهیانه بیست هزار ریال به دستمزد حقوق بگیران مشمول قانون تامین اجتماعی از اول فروردین ماه سال آینده موافقت شد. قائم مقام وزارت کار که این خبر را اعلام کرد، به خبرنگاران گفت این تصمیم بخاطر نقش کارگران در اقتصاد کشور و به منظور حفظ قدرت خرید آنها اتخاذ شده است. وی افزود اجرای مفاد این مصوبه در صورتی که موجب افزایش دستمزد ماهانه حقوق بگیران از حد نصاب مربوطه کمک پرداخت هزینه مسکن و خواربار شود، باعث قطع کمک ها نخواهد شد.

پیامدهای تحویل سلاحهای پیشرفته به جمهوری اسلامی

دلیل منطقی اتحاد شوروی در آن زمان برای عدم تحویل این نوع سلاح ها که رژیم جمهوری اسلامی مصر را خواستار آنها بود، شعله ور بودن جنگ ایران و عراق بود. ولی واقعیت آن است که پذیرش قطعنامه سازمان ملل متحد و قطع جنگ به معنی تغییر ماهیت رژیم جمهوری اسلامی نبود. بلکه وضعیت کشور از جنبه های مختلف به گونه ای بود که رژیم دیگر قادر نبود جنگ را ادامه دهد. در صورت ادامه جنگ، موجودیت نظام جمهوری اسلامی در مخاطره جدی قرار میگرفت. ایران تجاوز عراق را در سال ۶۲ پس زد، ولی ادامه جنگ از سال ۶۲ تا ۶۷ صرفاً بخاطر ساقط کردن رژیم صدام و روی کار آمدن حکومت طرفدار جمهوری اسلامی در عراق بود. رژیم حاکم برای رسیدن به اهداف خود، صدها هزار نفر را قربانی کرد و سرمایه عظیمی را بر باد داد و خمینی پذیرش قطعنامه سازمان ملل متحد را به عنوان نوشیدن جام زهر تلقی کرد. طبیعتاً زمانیکه جمهوری اسلامی به سلاح های پیشرفته تهاجمی مجهز باشد، به هیچ وجه حاضر نخواهد شد که جام زهر بنوشد.

امروز جمهوری اسلامی با هیچ کشوری در حال جنگ نیست و جنگ ایران و عراق تماماً خاتمه یافته است. ولی در آینده چگونه؟ چه کسی فکر می کرد که صدام حسین کویت را اشغال خواهد کرد و چنین وضع بحرانی را در منطقه و جهان بوجود خواهد آورد؟ تجویز رژیم عراق به سلاحهای مدرن و شیمیائی بصدام اجازه داد که کویت را اشغال کند و به هموردی با جهانیان برخیزد. حسین کویت را اشغال کند و به هموردی با جهانیان برخیزد. ولی صدام چگونه به این سلاحها دست یافت. تمام اطلاعات نشان می دهد که این کشورهای غربی و اتحاد شوروی بود که صدام را به چنین قدرتی رساندند. بی تردید می توان گفت که صدام بدون کمک غرب به انحای مختلف قادر به تولید سلاحهای شیمیایی نبود. و این موشک های شوروی بودند که با تغییراتی که توسط عراقی ها روی آنها صورت دادند به موشک های دوربرد تبدیل شده اند.

سلاحهایی که آن موقع در عراق انباشته می شد، امروز علیه

پذیرش وکیل مدافع در

بقیه از منصف اول

اعلامیه سازمان عفو بین الملل، سران رژیم بشدت عکس العمل نشان دادند و به موضع گیری خصمانه روی آوردند. ولایتی گالیندوپل را متهم کرد که دچار ضعف بینش نسبت به حقوق اسلامی است و تلتی او از جزئیات مربوط به حقوق بشر در جمهوری اسلامی ناشی از یک تضاد فرهنگی است. تصویب این ماده واحده توسط مجلس رژیم و پذیرش دفاع وکیل در دادگاهها، بطور آشکار کذب سخنان ولایتی را نشان داد.

تصویب ماده واحد گام هر چند ناچیزی است و تا تامین حقوق بشر در ایران راه بس طولانی وجود دارد، ولی می بایستی آتر ایمیژله پیشروی نیروهای آزادیخواه و عقب نشینی رژیم سرکوبگر تلتی کرد و آتر اراج نهاده.

مدافع در دادگاهها اختصاص داده بود. او در اولین سفرش در صاحبه هائی که بازندان اوین بعمل آورده بود، با ۵ تن از متهمین که دادگاهشان بدون حضور وکیل تشکیل شده بود، مصاحبه کرد. دو تن از این زندانیان که محکوم مرگ شده اند، نه تنها از حق هرگونه مشورتی با وکیل مدافع برخوردار نشدند، بلکه حتی تقاضای آنرا هم نکردند، زیرا می دانستند در دادگاههای انقلاب حق داشتن وکیل وجود ندارد. بعد از انتشار گزارش گالیندوپل، سازمان عفو بین الملل طی اعلامیه و گزارش منغل رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر پایمال کردن حقوق بشر بشدت تقیح و محکوم کرد. با انتشار گزارش گالیندوپل و

کویت و به فاجعه کشاندن منقله بکار گرفته می شود. امروز سلاحهایی که در ایران انباشته میشود می تواند فردا خطرات جدی توسط رژیم جمهوری اسلامی در منطقه و جهان بوجود آورد.

متأسفانه با وجود تحولات ریشه ای در سیاست خارجی اتحاد شوروی، هنوز در مواردی مشاهده می شود که هم چنان سیاست های کهنه از جمله فروش اسلحه توسط این کشور دنبال می شود. در گذشته فروش اسلحه توسط اتحاد شوروی رقم درشتی را در میزان کل تجارت اسلحه در جهان و در میزان صادرات آن کشور تشکیل می داد. شوروی در آن موقع اهداف مختلفی را از فروش اسلحه تعقیب می کرد. یک جنبه آن کمک به جنبه های رهایی بخش در مقابل تجاوزات آمریکا و متحدین بود (مثل نمونه ویتنام). جنبه دیگر آن جلب یک سری دولت ها به چینه کشورهای رهایی بود که در مقابل قرب قرار داشتند (مثل سوریه، لیبی و...) و جنبه سوم آن کسب درآمد از فروش اسلحه بود.

تجارت سلاح یکی از پرسودترین معاملات بحساب می آید. با طرح "تفکر نوین سیاسی" و تلاش برای زودودن تهر از مناسبات بین المللی و دگرگونی سیاست خارجی اتحاد شوروی، تغییرات قابل توجهی در سیاست صدور سلاح این کشور بوجود آمد. شوروی سیاست کاهش درگیری های منطقه ای را در پیش گرفت و از میزان صدور سلاح به این مناطق کاست (نمونه نیکاراگوئه).

فروش سلاح های پیشرفته و تهاجمی به رژیم جمهوری اسلامی هیچ انطباقی با "تفکر نوین سیاسی" و تلاش های اتحاد شوروی برای ساختن جهان هاری از زور و تهر ندارد. اتحاد شوروی در گذشته سیاست های رژیم جمهوری اسلامی را تجربه کرده است و به ماهیت سیاست های توسعه طلبانه آن آگاهی دارد.

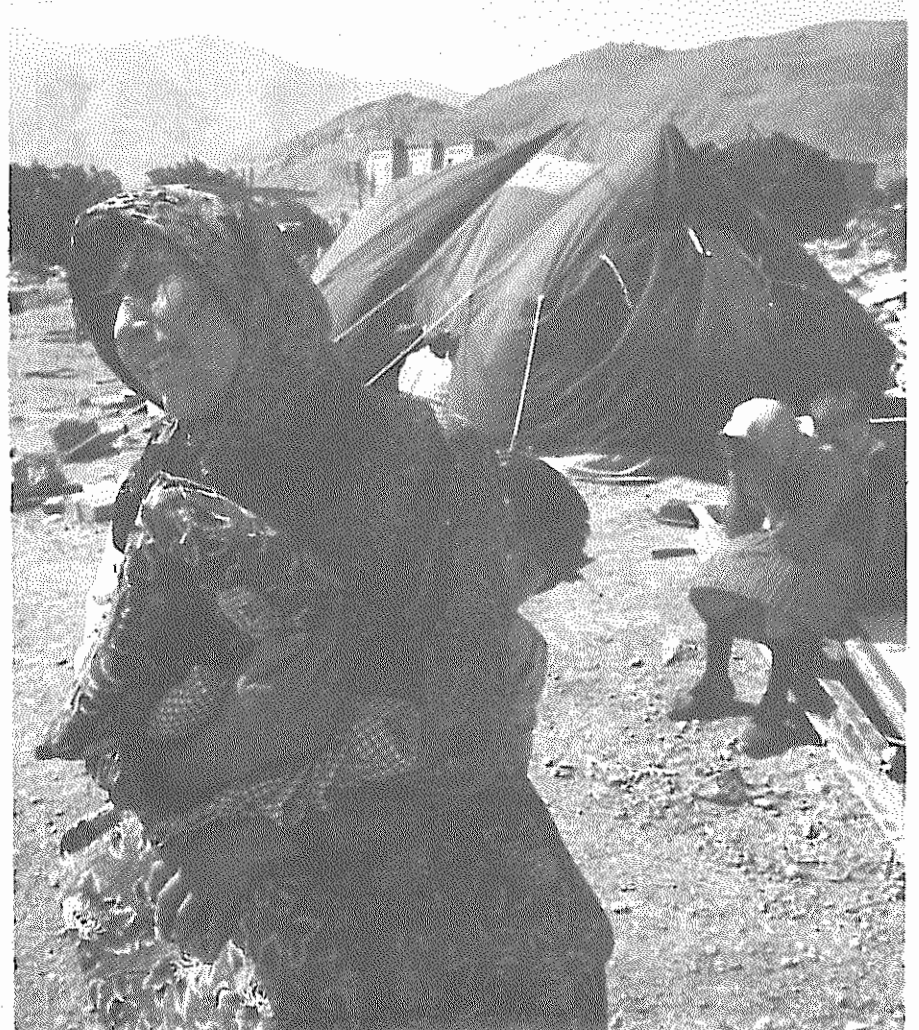
برای نیروهای مترقی ایران، فروش اسلحه مدرن و تهاجمی به رژیم سرکوبگر و توسعه طلب جمهوری اسلامی قابل قبول نبوده و مردود می باشد. باید تحویل این سلاحها قطع گردد و فروش اسلحه بخاطر سود و جلب حمایت دولت ها که همواره مخاطره آمیز بوده و علیه صلح و امنیت جهانی عمل کرده است، کنار گذاشته شود.



نلسون ماندلا آزاد شد و جای واقعی خود را به عنوان مهمترین سیاستمدار آفریقای جنوبی بازیافت. آپارتاید فرو می ریزد.

دهه ۹۰ با سالی توفانی آغاز شد. جهان، پوسته کهنه اش را شکافته است و به استقبال دهه ای ناآرام می رود. از انفجاری که روی داد، مدتی آنچنان طولانی نمی گذرد که نظمی جدید بتواند بجای نظم ۴۰ ساله بنشیند. همه چیز در همه جا در حرکت و ناآرامی است. حوادث و روندها، به کلاف سردرگمی می مانند که ظاهر آنها قانون حاکم بر آن، قانون افزایش مداوم "انتروپی" است. جهان، ناآرام تر شده است، و بهترین گواه آن، تصاویر سال ناآرام ۱۹۹۰ است.

* * *



ایران: بلایای طبیعی، بر بلایایی که منشأ انسانی دارند، افزوده می شوند. زلزله ای هولناک، دهها هزار تن از هموطنان مارا به قربانی گرفت.



۱۹۹۰

در آئینه

تصاویر

لیبریا: جنگی خونین بر سر قدرت. در آفریقا جنگ های داخلی رنگ قبیله ای به خود می گیرند، تساوت، قانون اول این جنگ هاست.



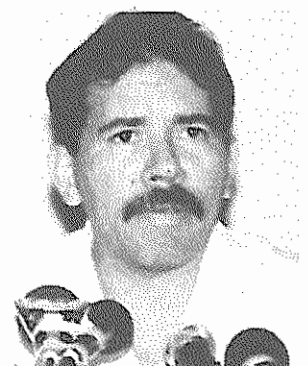
قتل عام فلسطینیان در بیت المقدس:

انتفاضة سه ساله شد.

جنگ کنترا، نیکاراگوئه را به زانو در آورد.

مردم از جنگ خسته شدند، و برنده،

ویولتا چامورو بود.





تاچر رفت. آیا تاچر بیسم هم خواهد رفت؟

۱۹۹۰ در آئینه تصاویر



نیروهای آمریکایی در هریستان: ضیافت پایان جنگ سرد، خیلی زود تمام شد. گام‌های جنگ بر منطقه‌ای حساس از جهان سنگینی می‌کند.



لمستان: رهبر جدید، خود نماد فلاکت یک ملت است. دستبوس تاچر، رئیس‌جمهور می‌شود.



سوم اکتبر: دو آلمان یکی شدند، دقیق‌تر بگوییم آلمان غربی، آلمان شرقی را بلعید. هیچ کس گمان نمی‌کرد عمل بلع با این سرعت انجام پذیرد.



زمستانی سخت در مسکو: ابر قدرت سابق، با کوهی از مشکلات دست و پنجه نرم می‌کند. شوروی به کجایی می‌رود؟

باز یافته راضی‌تر از مردم آلمان اند. در اینجا کسی نمی‌تواند که مخارج وحدت چقدر است. صالح: شما کلابیستر به پول فکر می‌کنید. هر چیز، بهایی دارد. اما آلمانی‌های غربی دیگر چرا باید ناراحت باشند؟ شما با پول خود کل آلمان شرقی را خریدید. آیا این معامله خوبی نیست؟

اشپیگل: به بحران مذاکرات بازگردیم. آیا شما از مذاکرات مستقیم میان آمریکا و عراق انتظار نتایج مثبت دارید؟

صالح: من معتقدم این مذاکرات می‌تواند به کاستن از تشنج اوضاع کمک کند. معاون من وزیر خارجه ما به بغداد رفته‌اند تا با دولت عراق درباره چگونگی به موفقیت رساندن این تماسها مشورت کنند. ما چه در شورای امنیت و چه در مذاکرات دو جانبه هر آنچه در توان داریم انجام خواهیم داد.

اشپیگل: فکر می‌کنید چه چیز در توان شما باشد؟

صالح: اگر این بحران هنوز یک بحران عربی می‌بود، ما می‌توانستیم کارهای بیشتری انجام دهیم، اما اختلاف دیگر مدتهاست که به اختلافی میان آمریکا و عراق تبدیل شده است. بنابراین تنها کاری که می‌توانیم بکنیم این است که بطور مکرر از این دو کشور بخواهیم بدنبال یک راه حل مسالمت‌آمیز باشند.

اشپیگل: واگر موفق نشدید؟ صالح: آنگاه فاجعه روی خواهد داد، برای همه. زیرا در یک جنگ، برنده‌ای وجود نخواهد داشت.

مربوطه اسم ببرم: منظور شما، مرز مورد اختلاف ما با هریستان سعودی است. (عبدالعزیز بنیانگذار دولت سعودی اواخر دهه ۲۰ مناطق جیزان، نجران و اسیر در شمال یمن را اشغال کرد از ۱۹۳۴ بدین سو دوبار در این مورد یک قرارداد موقت با ۲۰ سال اعتبار منعقد شده است که طرفین باید تا سال ۱۹۹۴ مجدداً آن را مورد مذاکره قرار دهند. اشپیگل) دولت یمن متحد رسماً اعلام کرده است که این مسئله را دیگر تنها با هریستان سعودی مورد مذاکره قرار نخواهد داد بلکه در صورت لزوم در مورد آن به مراجع بین‌المللی روی خواهد آورد. ما در مورد این منطقه دعای مستدل حقوقی و تاریخی داریم که باید درباره آن مذاکره شود.

اشپیگل: احیای غیر منتظره وحدت یمن، چگونه بدین سرعت انجام گرفت؟ به نظر می‌رسد وحدت شما ساده‌تر از وحدت آلمان صورت گرفت، در حالیکه خصوصیت یمن شمالی و جنوبی کمتر از خصوصیت میان آلمان شرقی و غربی نبود.

صالح: هر کشور، راه خود را می‌رود. ما راه مذاکره میان دو طرف برابر حقوقی را طی کردیم. شما به گونه‌ای دیگر عمل کردید، پول خود را پیش‌گذاشتید و به آلمان‌های شرقی گفتید: الان شما را می‌خریم، همین و بس. اما ما یمنی‌ها، چه در شمال و چه در جنوب، بسیار فقیر بودیم.

اشپیگل: به نظر می‌رسد مردم اینجا در مجموع از وحدت

بشکه نفت خواهیم رسید. برای نیازهای انرژی خود ما، منابع عظیم گاز وجود دارد. اشپیگل: این همه نیاز به زمان دارد.

صالح: البته، و برای همین ما پیش‌بینی می‌کنیم که در دو سال آینده کماکان دشواری‌های زیادی داشته باشیم. اما پس از آن، سیر سعودی آغاز خواهد شد. ما یک ملت فقیر و قانعیم و مانند برخی دیگر، به عادت نشده‌ایم. ما هنوز کارهایمان را خود انجام می‌دهیم و نیازی به بیگانگان نداریم.

اشپیگل: آیا کینه توزی همسایگان شما علیه یمن متحد، ممکن است به هراس آنها از یمن دولت قوی در گوشه جنوبی شبه جزیره عربی مربوط باشد.

صالح: از دولت معینی اسم نمی‌برم، اما کاملاً ممکن است چنین باشد، و شاید توطئه‌ها و منافع برخی سرویس‌های جاسوسی که یمن متحد را خطری برای منطقه جلوه می‌دهند، در این امر تاثیر بگذارد. اما برخلاف ادعای آنها، وحدت باز یافته یمن، نه یک تهدید، که یک عامل ثبات افزا برای کل منطقه است. ما هیچ‌گونه خیال تعرض نداریم. به هیچ کس.

بکنید به جز در مورد هریستان سعودی.

اشپیگل: در تاریخ ۲۲ ماه مه، یمن پس از مدتها جدایی که اغلب با خصومت نیز همراه بود، وحدت خود را مانند آلمان باز یافت. و درست اکنون که شما به همه امکانات برای غلبه بر مسائل مربوط به وحدت نیاز دارید، به همت بحران خلیج که در واقع اصلاً ربطی به شما ندارد دچار بحران اقتصادی می‌شوید. این در حالی است که نزدیک به هفت میلیارد دلار بدهی خارجی دارید.

صالح: این بحران ما را باز هم بیشتر به هم پیوند می‌دهد. خلق یمن بر اثر این وقایع هشیار شده است و اکنون به دقت می‌نگرد که چه کسی علیه یمن توطئه می‌کند و می‌خواهد باز وحدت را تخریب کند. بدون این بحران، شاید وحدت ما شکننده‌تر می‌بود...

اشپیگل: ... و دشمنان شما مانند گذشته می‌کوشیدند دو دولت یمن را مقابل هم قرار دهند. صالح: دقیقاً. البته چنین کوششی موفق نمی‌بود. اما ما امروز یکبار چه شده‌ایم. درست است که کمک‌های مالی از خلیج دیگر نمی‌رسد و ما هفت میلیارد دلار بدهی داریم. اما ما هنوز از امکانات بسیار زیادی برخورداریم که تا اکنون بلااستفاده مانده است. شرکت‌های بین‌المللی پس از مدتها اینک مشغول حفاری در کشور ما برای استخراج نفت‌اند و به کشفهای امیدوار کننده‌ای دست یافته‌اند. ما تا سال دو هزار به استخراج روزانه دو میلیون

مصحبه "اشپیگل" با علی عبدالله صالح

بقیه از صفحه ۱۰

چرا برای کویت ایجاد شده است؟ چه کسی در مورد قبرس به خشم آمد؟ مگر اشغال قبرس نیز مانند اشغال کنونی نبود؟ آیا همت این نیست که کویت نفت دارد، اما در قبرس تنها گوجه فرنگی می‌روید؟ اشپیگل: شما تا کی می‌توانید در برابر تحریم عملی توسط همسایگان مقاومت کنید؟ مسئله یک میلیون یعنی معاودت فیرد و طلب به کشورتان را که هریستان سعودی در ماه‌های اخیر اخراج کرده است، چگونه حل می‌کنید؟

صالح: همانطور که می‌دانید، اخراج اتباع یمن از هریستان سعودی در حقیقت اصرار یمنی به بحران خلیج ندارد. اشپیگل: پس همت آن چیست؟ صالح: سعودی‌ها مدتهاست که اهتراف کرده‌اند این بحران تنها بهانه‌ای برای تسویه حسابهای دیگر بوده است.

اشپیگل: سعودی‌ها چه منفعت دیگری در اجمال چنین فشاری به همسایه خود یمن دارند؟ ریاض حتی کوشید با وعده‌های میلیاردی از احیای وحدت دو یمن جلوگیری کند، و به نظر می‌رسد می‌خواهد قبایل شمال کشورتان را علیه دولت بشوراند. صالح: بسیار مایل بودم به این پرسش پاسخ دهم، اما ما با سعودی‌ها یک قرار مبتنی بر اعتماد متقابل گذاشته‌ایم که حمله به یکدیگر را متوقف کنیم. لطفاً تاغهم نشان دهید و هر سوالی

فشار شدید نیز از اصول خود دست نخواهیم کشید. البته ما آنقدر خوش خیال نیستیم که به عدالت امید ببندیم. در سیاست به هر حال از عدالت خبری نیست، در این بحران و در سازمان ملل هم همین‌طور، نه عدالتی وجود دارد، نه اخلاق، نه همت سلیم. اشپیگل: این سخنان، ملین تلخی دارد. صالح: ببینید، از روز دوم اوت تاکنون، همه طرف‌های درگیر ۷۸ میلیارد دلار خرج این بحران خلیج کرده‌اند. اگر شیخ نشین‌های نفتی تنها بخش کوچکی از این مبلغ، مثلاً ۱۰ میلیارد دلار را زمانی که با عراقی‌ها بر سر خسارات نفتی مذاکره می‌کردند، به آنها داده بودند، اصلاً چنین بحرانی پیش نمی‌آمد. اشپیگل: شاید هنوز هم بتوان جلوی جنگ را گرفت اگر متجاوز عقب‌نشینی کند.

صالح: چه کسی است که واقعا بدنبال اهدافی باشد که وانمود می‌کند، مثلاً حقوق بین‌الملل یا اخلاق؟ نه، بحث بر سر منافع کاملاً مادی است، منافع سیاسی، اقتصادی، نظامی. پس چرا برای خلق فلسطین از حق و اخلاق خبری نیست؟ پس کجاست آن اراده آهنین برای به کرسی نشاندن مصوبات شورای امنیت به هر قیمت؟ این همبستگی فشرده بین‌المللی چگونه اینقدر ناگهانی و

از گزارش گالیندوپول

بقيه از منجم ۳

تقسیم بندی کرد: الف) زندانیانی که گفته می شود محکوم به اعدام شده اند؛ ب) زندانیانی که گفته می شود شکنجه شده اند؛ ج) زندانیانی که گفته می شود پس از ملاقات با نماینده ویژه در جریان سفر اول او، مورد آزار قرار گرفته اند؛ د) زندانیان دارای تابعیت خارجی؛ ه) زندانیانی که جزء گروه امضاکننده نامه سرگشاده بزرگان نخست وزیر پیشین به رئیس جمهور بوده اند؛ و) زندانیان عضو جامعه بهایی و (ز) برخی زندانیان زن که نماینده ویژه در جریان سفر اول خود دوتن از آنها را دیده بود... به نماینده ویژه پس از ورود او به زندان اوین در ۱۳ اکتبر ۱۹۹۰ گفته شد که به علل مختلف، امکان ملاقات با همه ۲۶ نفر مزبور وجود ندارد. از این رو نماینده ویژه یک فهرست اضافی شش نفری به مقامات تسلیم کرد.

گالیندوپول در اوین با این زندانیان ملاقات کرده است؛ جمشید امیری بیگوند، بمن آقایی، هوشنگ احمدی بیگوند، نورالدین کیانوری، مریم فیروز، جان پاتیس، نور هللی تابنده، هللی اردلان، فرهاد بهبهانی، حسین شاه حسینی، بدیع الله سنجابی، سکینه صداقت، عزت الله سبحانی، و خسرو منصوریان. مقامات زندان، به این بهانه که دادستان به علت ادامه تحقیقات، اجازه ملاقات با زندانیان را نداده است، از دیدار گالیندوپول با این افراد جلوگیری کرده اند؛ عبدالعلی بزرگان، حسین بنی اسدی، شمس شمشهانی، محمد توسلی، داود میرحیومی، راجر کوپر، هاشم صافیان، هرمز مجیزی، مریم طالقانی و امیر انتظام.

به ادعای مسئولان اوین، حسینعلی روشن ضمیر به زندان اراک و کیوان خلج آبادی به زندان حکیمی از زندان آزاد شده است. میترامالی از ۱۱ اوت ۱۹۹۰ از زندان خارج شد و از ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۰ آزاد گردید. فاطمه ایزدی هنگام دیدار گالیندوپول در یک مرخصی دو ماهه به سر می برد. گیتی آذرنگ، ملکه محمدی و زهره قائمی نیز به ادعای مسئولان در این تاریخ در مرخصی بوده اند.

در پاسخ به سؤال گالیندوپول در مورد سرنوشت راجر کوپر، مقامات زندان دچار تناقض شده اند. در سفر اول نماینده ویژه، به او گفته بودند که کوپر به ۱۰ سال زندان محکوم شده است. در سفر اخیر، از ملاقات کوپر با گالیندوپول به این بهانه جلوگیری کرده اند که محاکمه هنوز انجام نشده و تحقیقات ادامه دارد! وقتی گالیندوپول به این تناقض اشاره کرده است، مسئولان اوین گفته اند که محاکمه باید دوباره انجام گیرد!

نخستین زندانی که گالیندوپول با او ملاقات کرده، نورالدین کیانوری بوده است؛

نماینده ویژه، نخست با آقای کیانوری، دبیر اول سابق حزب توده ملاقات کرد که در سفر اول خود نیز با او دیدار کرده بود. آقای کیانوری در آن هنگام، اتهامات سختی در مورد شکنجه همچنین کرده بود. نماینده ویژه همچنین با مریم فیروز همسر آقای کیانوری ملاقات کرد. در مورد هر دو نفر، گزارش هایی رسیده بود

او گفت در اظهارات تلویزیونی اش در ششم اوت ۱۹۹۰ تنها اذعان داشته که پی برده است موضع سیاسی گروه امضاء کننده نامه در انطباق با سیاست یک قدرت خارجی بوده و بنابراین برخطاست. او همچنین از شرایط زندان اظهار رضایت کرد و گفت رفتار مأموران و مقدار فشار زیاد بخش است. این اظهارات با اظهارات دیگران که از طولانی شدن مدت حبس انفرادی (در زندان توحید در سلول هایی به ابعاد ۳ در ۱/۱ متر) شکایت می کردند، در تضاد بود... در یک مورد، از ضرب و شتم نام برده شد. بطور کلی اکثر افراد وابسته به این گروه به نظر می رسید که تحت فشار سخت قرار دارند. برخی از آنها خواهان مراقبت ویژه پزشکی از خارج از زندان هستند...

در بند ۲۳۱ گزارش آمده است: "نماینده ویژه همچنین با آقایان امیری بیگوند، آقایی و احمدی بیگوند که همه متعم به جاسوسی اند دیدار کرد... دو نفر اول تایید کردند که محاکمه و محکوم به اعدام شده اند، در حالی که نفر سوم اظهار داشت محاکمه او دو سال پیش انجام گرفته است و او هنوز منتظر ابلاغ حکم است. محاکمه آنها در یک دادگاه انقلاب، بدون کیفرخواست رسمی و وکیل مدافع انجام گرفته است. یکی از آنها گفت محاکمه او تنها ۱ دقیقه به طول انجامیده است. دو نفر محکوم شده، در تلویزیون اعتراف کرده و نسبت به حکم صادره تقاضای استیناف کرده اند. به آنها پاسخی داده نشده است."

گزارش پس از تشریح مشاهدات نماینده ویژه در یک محاکمه هادی غیر سیاسی در اوین، به شرح ملاقات با شخصیت ها و گروه های غیر دولتی می پردازد. برخی از این دیدارها با گروه های ظاهراً غیردولتی، اما عملاً وابسته به رژیم صورت گرفته است، مانند "سازمان زنان انقلاب اسلامی"، "خانه کارگر" و غیره. بعضی از نمایندگان این گروه ها ضمن دفاع از رژیم برای آنکه وانمود کنند صد درصد به رژیم وابسته نیستند، برخی انتقادات جزئی نیز مطرح کرده اند.

در بند ۲۵۰ گزارش آمده است: "نماینده ویژه طی اقامت خود در تهران بار دیگر به دیدار آقای مهدی بزرگان، نخستین نخست وزیر دولت موقت انقلابی رفت. در این ملاقات دکتریزدی، وزیر خارجه همان دولت، آقای بزرگان را همراهی میکرد. آقای بزرگان نسبت به دستگیری امضاء کنندگان نامه سرگشاده اش به رئیس جمهور همپا ابراز نگرانی کرد و تاکید کرد دهم دستگیری ها و هم اظهارات مقامات در طرح اتهامات در ملاعام و به ویژه اتهاماتی مانند جاسوسی، غیر قانونی است. به گفته آقای بزرگان، طرح هلنی اتهامات مغایر با اصل برائت متهمان است. آقای بزرگان خاطر نشان کرد که پس از این دستگیری ها چندین نامه به مسئولان و به ویژه رئیس توه قضائیه ارسال داشته است. او کپی این نامه ها را به نماینده ویژه داد و گفت هرگز پاسخی به این نامه ها دریافت نکرده است."

گزارش می افزاید: "آقای بزرگان همچنین گفت هیچ یک از افراد دستگیر شده اجازه استفاده از کمک حقوقی نیافته اند، تقریباً همگی در حبس انفرادی به سر می برند و

تماسهایشان با بستگان و دوستانشان بسیار محدود است..."

بزرگان سپس به طرح شکایاتی مانند جلوگیری عملی از فعالیت "جمعیت دفاع" و نهضت آزادی پرداخته است. بزرگان همچنین گفته است که حتی نمایندگان مجلس از محدود شدن حق انتقاد خود گلیه کرده اند و برخی از آنها از عضویت در مجلس کناره گرفته شده اند.

گالیندوپول همچنین با آیت الله زنجانی از عدم آزادی بیان انتقاد کرده است. نماینده ویژه همچنین در گزارش خود می افزاید که بستگان امیر تعاونی از هواداران مجاهدین از اعدام بدون محاکمه او بدنبال ۱۰ ماه زندان شکایت کرده اند. در گزارش آمده است که گفته یک شاهد حدود ۵۰ تن از اعضای سابق مجاهدین را در بند مخفی شماره ۲۵۹ زندان اوین نگهداری می کنند. این گزارش می افزاید خبر مشابهی از ناحیه یک زندانی سابق اوین رسیده است.

گزارش سفر دوم به ایران

در جریان سفر دوم گالیندوپول نیز مانند سفر اول تعدادی از افرادی که نام آنها به ادعای رژیم در لیست های منتشر شده در خارج شامل اعدام شدگان آمده است، به نماینده ویژه مراجعه و اعدام خود را تکذیب کرده اند.

گالیندوپول در گزارش خود می نویسد تعدادی از اسرای جنگی سابق ایرانی به او گفته اند که در عراق سازمان مجاهدین قصد جذب آنها به صفوف خود را داشته است. گزارش می افزاید: "نماینده ویژه، این موارد را خارج از مأموریت خود می داند و بنابراین از نقل گزارش های متعدد واصله در چنین مواردی اجتناب میکند."

گزارش حاکی است از آنجا که بسیاری از شکایت نامه های واصله به زبان فارسی نبوده، فرصت کافی برای ترجمه آنها وجود نداشته است و این نامه ها در گزارش های بعدی منعکس خواهد شد.

بخش بعدی گزارش به شرح ملاقات با افراد بهایی و نیز اسقف ارمنه اختصاص دارد. سه نفر بهایی در ملاقات با گالیندوپول گفته اند که تضيیقات علیه این اقلیت مذهبی ادامه دارد اما بهبودهایی حاصل شده است. اسقف ارمنه نیز اظهارات مشابهی داشته است.

نتیجه گیری

گزارش گالیندوپول در پایان به نتیجه گیری از مشاهدات می پردازد. گزارش تاکید می کند که نتیجه گیری نهایی از مشاهدات، بعداً منتشر خواهد شد و جمع بندی های ارائه شده در گزارش حاضر، هنوز نتیجه نهایی نیست.

گالیندوپول از عدم صدور اجازه دیدار با ۱۰ زندانی سیاسی مورد نظر او و عدم صدور اجازه بازدید از زندان گومرشدت "اظهار تاسف" کرده است. او ضمن بر شمردن موارد شکایات شاهدان می نویسد: "به نظر می رسد بسیاری از شاهدان دیدار نماینده ویژه از ایران را یک اقدام اعجاز

گرا نه می داند و مایلند از آن نتایج جنجالی انتظار داشته باشند... بسیار دشوار است که با یک یا دو سفر، اوضاع بطور معجزه آسا عوض شود... این دیدارها تنها یک مرحله، البته مرحله ای مهم و حیاتی در روند بازرسی وضعیت حقوق بشر در یک کشور و دلیلی بر تمایل یک حکومت به همکاری با ارگان های مربوطه ملل متحدند."

در بندهای ۲۷۱ تا ۲۷۴ گزارش آمده است که مقامات حکومت جمهوری اسلامی برای اجرای "توصیه های" گزارش های قبلی گالیندوپول، دست به اقداماتی زده اند و از جمله، با دیدار نمایندگان صلیب سرخ از زندان ها موافقت کرده اند. همچنین مقامات جمهوری اسلامی مدتی است به اتهامات مشخص، پاسخ می دهند. گزارش می افزاید همکاری دولت جمهوری اسلامی با نماینده ویژه، نزدیک تر شده است.

گزارش گالیندوپول خاطر نشان می کند که به تایید مقامات جمهوری اسلامی، هنوز تعداد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در شرایط خاص و استثنایی مجاز دانسته شده است. این گزارش می افزاید روند محاکمات در جمهوری اسلامی مطابق با معیارهای بین المللی نیست و بعنوان نمونه، متهمان از داشتن وکیل محرومند. طبق گزارش گالیندوپول، مشاهدات خود نماینده ویژه در یک محاکمه در اوین، این امر را تایید میکند. گالیندوپول همچنین خاطر نشان میکند که برگزاری محاکمه در زندان، به معنای غیر هلنی بودن محاکمه است. این گزارش می افزاید اصل مطلع کردن متهم از هلت دستگیری بلافاصله پس از بازداشت، رعایت نمیشود.

نماینده ویژه در مورد "اعترافات تلویزیونی" می نویسد: "اعترافات

تلویزیونی با انتقادات قابل توجهی روبرو شده است و گفته می شود این اعترافات از اصالت و هرستی برخوردار نیست. با توجه به این شرایط این رسم مطابق با اصول عدالت نیست."

گزارش گالیندوپول با ذکر نمونه نهضت آزادی و جمعیت دفاع، خاطر نشان می کند که برای فعالیت احزاب و سازمان ها در ایران امکان فعالیت قانونی وجود ندارد این گزارش همچنین به عدم رعایت حقوق سیاسی و فردی امضاء کنندگان نامه ۹۰ نفره که دستگیر شده اند، اشاره می کند و نتیجه می گیرد: "باید اگر نه همه، لاقط اغلب این زندانیان را زندانیان عقیدتی و وجدانی دانست."

گزارش در مورد آزادی مطبوعات خاطر نشان میکند که محدود کردن مطبوعات از نحوه توزیع سمیه کافز آغاز میشود و با اعمال فشار بر روزنامه نگاران که کار آنها مطابق با نظرات رسمی نیست، ادامه می یابد. گالیندوپول برای مستدل کردن فقدان آزادی بیان در ایران، به گفته حائری زاده نماینده مجلس شورای اسلامی اشاره می کند که اظهار داشته است: "من برای بیان آنچه می خواهم بگویم امنیت کافی ندارم."

گزارش، نتیجه گیری میکند که "نقض حقوق بشر در ایران ادامه دارد." این گزارش می افزاید: "کمیت و تنوع بسیار گزارش ها و شکایات واصله از منابع بسیار متفاوت، حتی اگر این را بپذیریم که شامل خطاها و افتراق ها باشد، مبنای قابل قبولی برای این حکم به دست می دهد که در این کشور، موارد نقض حقوق بشر بسیار است و اقدام حکومت برای کاستن از این امر برای پایان دادن به آنها کافی نبوده است... هم سودمند و هم ضروری است که نظارت بین المللی ارگان های مربوطه ملل متحد با هدف تامین مطابقت با معیارهای بین المللی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ادامه یابد."

راهپیمایی بمناسبت ۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر در سوئد

عصر روز ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر، در شهر اوربرو سوئد برای دفاع از حقوق بشر در سراسر دنیا یک راهپیمایی با مشعل صورت پذیرفت. این راهپیمایی به ابتکار "سازمان هغو بین الملل" و با حمایت احزاب سیاسی سوئد انجام شد. راهپیمایان با خواندن سرودها و آوازهایی در دفاع از حقوق انسانی از خیابان های شهر عبور کرده و در میدان پالسه شهر اوربرو تجمع کردند و سخنرانی هایی از طرف دبیرکل سازمان هغو بین الملل در سوئد (این سازمان دارای دهها هزار عضو در سوئد است) و یکی از مسئولان سازمان دفاع از کودکان ایراد شد. دبیرکل سازمان هغو بین الملل در سوئد به افشای جنایات رژیم های دیکتاتوری جهان علیه آزادیخواهان و دگراندیشان پرداخت و بخش مهمی از سخنانش را به وضعیت حقوق بشر در ایران اختصاص داد. وی گفت: "بیش از ۵۰۰۰ زندانی سیاسی دگراندیش از سال ۸۵ تاکنون اعدام شده اند، بدون داشتن حق وکیل و دادگاهی عادلانه. در تابستان سال ۸۸ هزاران نفر توسط "کمیسیون مرگ" اعدام شدند و در گورهای دسته جمعی دفن شده اند. مسؤل "سازمان دفاع از حق کودکان" به فلاکت و وضعیت وحشتناک میلیونها کودک و نوجوان دنیا پرداخت و ضرورت توجه بیشتر عمومی به این مساله را مورد تاکید قرار داد.

در این راهپیمایی شرکت و فعالیت افشاگرانه رفقای فعال ما در منظره چشمگیر بود. صدها اعلامیه بزبان سوئدی در جمع راهپیمایان و مردم رهگذر پخش شد. این اعلامیه توسط کمیته همستگی (متشکل از نمایندگان خلق (۱۶ آذر)، حزب دموکرات کردستان ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، کانون سیاسی-فرهنگی خلق ترکمن و فدائیان خلق (اکثریت)) تهیه شده بود. در این اعلامیه به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی در قبال مردم ایران پرداخته شده و از رژیم سوئد خواسته شده بود که شرط توسعه و گسترش روابط با جمهوری اسلامی را احترام به حقوق بشر از طرف این رژیم قرار دهد.



کنگره فوق العاده سازمان فدایی - ایران

در اوائل آذرماه سال جاری سازمان فدائی کنگره فوق العاده خود را برگزار کرد. بنابه گزارش اجمالی کنگره منتشره در نشریه اتحاد کار موضوعات زیر در دستور کار این اجلاس قرار داشت.

۱- تکمیل اساسنامه سازمان ۲- جمع بندی سیاست های ائتلافی و اتحاد عمل های مبارزاتی در جنبش کمونیستی ایران ۳- قطعنامه در باره ضرورت اصلاح و تکمیل برنامه ۴- گزارش سیاسی ۵- بررسی نقد عملکرد گذشته دو سازمان فدائیان خلق ایران و آزادی کار ایران ۶- نقد و ارزیابی از عملکرد سازمان فدائی از کنگره و وحدت تاکنگره فوق العاده ۷- انتخاب کمیته مرکزی.

در رابطه با مباحث اساسنامه ای تصویب شد که نام کامل این سازمان از این پس سازمان فدایی - ایران باشد همچنین تصویب شد که "مقالات ارگان مرکزی سازمان در صورت تمایل نویسنده یا هیئت تحریریه با امضاء فردی منتشر میشود. این مقالات نبایدست مفایر مواضع سازمان باشد"

در رابطه با جنبش کمونیستی و سیاست های ائتلافی قطعنامه ای به تصویب رسید که در آن آمده است:

"مشی ما در جهت همگرایی جنبش کمونیستی را میتوان به شکل زیر فرموله کرد.

الف - سمتگیری در جهت وحدت با جریانات مارکسیست لنینیست بر اساس برنامه و اساسنامه سازمان، روشن است دستیابی به امر وحدت بدون

کیهان لندن و بحث اتحاد و ائتلاف

نشریه کیهان لندن در ماه های اخیر مقالات متعددی در رابطه با ضرورت یا عدم ضرورت ائتلاف نیروهای سلطنت با دیگر نیروهای اپوزیسیون رژیم درج نموده است. در این مجموعه مقالات علیرقم استدلالهای متفاوت دو زاویه نظری کاملاً مقایر هم به چشم می خورد. در برخی از این مقالات نیروهای جمهوریخواه بالاخص نیروهای چپ به اشکال مختلف تحت عنوان نیروهای غیر موثر، نیروهایی که مسبب شرایط کنونی هستند... مورد حمله قرار گرفته اند و در جوار آن از عملکرد رژیم گذشته در قبال سایر نیروها دفاع شده و یا تنها دارای ایرادهای فرعی ارزیابی شده است. در برخی دیگر جنبه هایی از نظرات فوق رد شده و مورد انتقاد واقع شده است. در این سری مقالات در همین حال نیروهای چپ به این دلیل که همکاری با نیروهای مدافع سلطنت را نمی پذیرند مورد انتقاد قرار می گیرند. ما در اینجا بخشهایی از دو مقاله با امضاء کاتانه سلطانی و دیگری به نام آقای حسن کیانزاد که دو سمت گیری فوق را منعکس می کنند درج مینمائیم:

در مقاله با امضاء کاتانه سلطانی تحت عنوان اتحاد نیروهای موثر، نه چپ و راست ناگوار آمده است: "مسئله اتحاد یا ائتلاف نیروهای سیاسی ایرانی در خارج از کشور مدتهاست که جای هر تلاش و کوشش دیگری را در اپوزیسیون گرفته است. بحث های مربوط به نزدیک ساختن عقاید و سلیقه های متفاوت سیاسی در جامعه ایران و یافتن نکات مشترکی که بتواند یک مبارزه هماهنگ و همسو را قدرت و تاثیر بخشد و اصطکاک های درونی مخالفان جمهوری اسلامی را بکاهد با وجود ابراز پاره های امیدواری ها، هیچ نتیجه ای بار نیارده یا اگر آورده این نتایج چنان نحیف و نامحسوس است که هیچ کس نتیجه آن را نمی بیند."

خلاصه سیاسی روز افزون در مبارزات با رژیم جمهوری اسلامی و در نتیجه موقوف شدن سرنگونی یا دگرگونی بنیادی حکومت اسلامی به عواملی غیر از تلاش و طرح ریزی مخالفان پدیده ای نیست که بتوان آن را پنجهان کرد و یا برایش توجیعی تراشید. اما تاسف آور آن است که این خلاصه تا حدی بسیار ناشی از دل بستن به اتحادها و ائتلاف های خیالی و ناممکن و در هر حال کم اثر است. توسل به این گفتگوها و

مبارزه ایدئولوژیک از طرفی و داشتن پراتیک فعال از طرف دیگر آنهم در درازمدت، میسر نیست. در شرایط کنونی سمت اصلی مبارزه ایدئولوژیک میبایست متوجه انحراف عمده که همانا سوسیال دمکراسی است شود. در عین حال ضروری است با انحراف دکماتستی و استالینیستی ریشه دار در جنبش کمونیستی قاطعانه مبارزه شود. در همین راستا بمنظور پاسخگویی مشترک به گروه های سیاسی - تئوریک و در جهت همگرایی کمونیستها و نمایتای فلبه بر پرراندگی موجود در جنبش چپ انقلابی، ضروری است مباحثات ایدئولوژیک سیاسی بین نیروهای چپ انقلابی سازمان داده شود. در شرایط کنونی همکاری مشترک سازمان فدایی با سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سازمان چریک های فدایی خلق ایران (شورای عالی) و شخصیت های چپ انقلابی در خدمت هدف فوق بوده و از اهمیت اساسی برخوردار است.

ب- تلاش برای ائتلاف جبهه ای با جریاناتی که در چارچوب خطوط اصلی برنامه جبهه دمکراتیک - ضد امپریالیستی مصوبه کنگره سازمان قرار دارند. ج- اتحاد عمل با کلیه جریانات مترقی بر سر مطالبات فوری سیاسی و اقتصادی - اجتماعی نقطه فرزیمت ما در اتحاد عمل ها، گسترش مبارزه در پراتیک سیاسی علیه ارتجاع بوده و طبعاً اتحاد عمل با جریانات فوق الذکر (الف و ب) از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و متمدند اند."

و در ادامه تصویب شده است که همسوئی سیاسی، تقویت نیروی سرنگونی و طرد سلطنت، مناسبات دمکراتیک، توان نیروها و تاکتیک های موثر از عواملی هستند که در تقدم انتخاب متحدین ملاک خواهد بود.

در تائید و یار د فدرالیسم

چگونگی حل مساله ملی از دیرباز از مباحث جدی نیروهای سیاسی ایران بوده است. این امر در دوره های مختلف از زاویه های متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته است. با ارائه طرح فدرالیسم و جمهوری فدراتیو توسط برخی سازمانهای سیاسی منجمله سازمان ما برداشت از فدرالیسم و رد یا تایید آن از مباحث روز میلهای سیاسی ایران شده است. ما در اینجا دو مقاله در دفاع و رد فدرالیسم در ایران رادرج میکنیم:

آقای پرویز دستمالچی در نشریه جمهوری خواهان ملی ایران در دفاع از جمهوری فدراتیو مینویسد "در نظام جمهوری ساختمان دولت بر اساس تقسیم قوا استوار است. با الهام از ایده های جان لاک و منتسکیو قوای مملکت به سه جز تقسیم میشوند. اما صرف پذیرش صوری این سه قوا در یک مملکت ابدا به معنای وجود ساختمان دمکراتیک حکومتی نیست.

هدف اساسی از تقسیم قوا عبارت است از ایجاد تعادل و محدود کردن قوای دولتی، تقسیم قدرت به ارگان های مختلف و کنترل متقابل این ارگان ها توسط یکدیگر. در یک کلام تقسیم افقی قدرت و کنترل متقابل شرایطی بوجود میآورد که از تمرکز قدرت و سوءاستفاده از آن توسط یک فرد یا یک گروه پیشگیری می کند.

عنصر دیگر تقسیم قوا نظام فدرالیسم است. نظام فدرالیسم یعنی تقسیم عمودی قدرت. نظام فدرالیسم در برابر سناتورالیزم قرار دارد. در چنین نظامی وظایف دولت مرکزی صرفاً محدود به وظایفی میگردد که باید اجرا بگردد. مرکز انجام داد (مانند ارتش، سیاست خارجی و...) در نظام جمهوری فدراتیو هر یک از ولایت ها مجلس محلی خود را دارند و بر اساس تقسیم قوای سه گانه مملکت کار میکنند. این تقسیم عمودی قدرت تا پائین ترین سطح تقسیمات اداری کشور بر اساس ضرورت ها و نیازها ادامه خواهد یافت. نظام فدراتیو از یک طرف دامنه دمکراسی را گسترش میدهد و از طرف دیگر از طریق عدم تمرکز قدرت در یک محل و تقسیم آن به مناطق گوناگون و در دست افراد و سازمان های سیاسی متفاوت از سوءاستفاده احتمالی از قدرت جلوگیری به عمل میآورد.

نیروهای ملی و خواهان دمکراسی باید همواره در جهت تقسیم قدرت، محدود کردن حوزه فعالیت آن، تا سر حد امکان و کنترل دمکراتیک قدرت به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از آن حرکت کنند. "آقای مهرداد ارفع زاده در مقاله ای تحت عنوان "شفته پنداری سیاسی و تمامیت ارضی" در نشریه "کیهان چاپ لندن در انتقاد از طرح فدرالیسم و مفایر بودن آن با تلاش در راه حفظ تمامیت ارضی ایران مینویسد:

"آیا فدرالیسم مقدمه حاکمیت ملی و مردمی است یا مخرجه آن؟ آیا فدرالیسم برای ما واپسگرایی و ارتجاع نیست؟ شکل های کنفدراسیون، فدراسیون و دولت های فدرال همزیستی و همسازی حاکمیت های مستقل از هم است برای ایجاد حاکمیت بزرگتر در گستره ای وسیعتر.

گاه چند ایالت یا چند "دولت شعر" که هر یک در محدوده چیرگی خود دارای حاکمیت اند و گاه چند دولت مستقل که هر یک از حاکمیت یعنی برترین قدرت تصمیم گیری و اجرا بر خور دارند بمیل و یا به زور با یکدیگر کنار میآیند و بخشی از قدرت حاکمیت خود را به سود ایجاد حاکمیت گسترده تر ه میکنند و دولت فدرال یا متحده میسازند. نوع اول مانند آمریکای شمالی و آلمان و سوئیس است و نوع دیگر مانند جمهوری متحده عربی (مصر و سوریه که برآمد و فرو ریخت) و آنچه امروز در جامعه اروپائی ذر

کنار گذاشت، تنها اتحاد کار ساز، اتحاد نیروهای موثر و مفید است. آنان که با حمایت بخشهای بزرگ جامعه ایرانی را دارند، یا نیروی ابتکار یا امکانات وارد آوردن ضربه های موثر به جمهوری اسلامی و انقلاب کذابی را، اینکه سلطنت طلب باشند یا جمهوریخواه، چندان اهمیتی ندارد. بهترین و گسترده ترین اتحاد عناصر بی کفایت و بی خاصیت چپ و راست به پیشروی نمی آزد.

در پاسخ به مقاله فوق مقاله ای با عنوان "خانم کاتانه سلطانی بیائید آب را به گل آلوده نکنیم" به قلم آقای حسن کیانزاد درج گردیده است. در بخشی از این مقاله آمده است:

"تقاز و ادامه پیگیر بحث ها و گفت و شنودهای سیاسی ماههای اخیر هیچگونه سد و مانعی برای مبارزین راستین و پرتلاش بوجود نیارده است، بلکه اگر به کار نامه کوشش های سیاسی دهسال گذشته اپوزیسیون بنگریم در میباییم که آن خلاصه سیاسی روز افزون که شما بدرستی از آن نام برده اید و آن نگرش های دشمن گرایانه و خودبزرگ بینی های درون گروهی گذشته، امروز جای خود را در اثر

در تائید و یار د فدرالیسم

حال شدن است. در گذر تاریخ، تیره ها، قبیله ها، ایالت ها، حاکم نشین ها، امیر نشین ها، شاه نشین ها به اجبار یا به اختیار بهم آمیخته اند در هم ادغام شده اند، بخشی از قدرت حاکمیت خود را به سود ساختن حاکمیت سراسری از دست داده اند. در آنها گام بگام در راستای شکل گیری ملت و قوام فرهنگ همگانی و کشور شدن نشان قدرت حاکمیت های محلی کم و کمتر شده است و توان حاکمیت سراسری افزونی یافته است تا جایی که چنان پیوستگی بار آمده که جداسری منطقه ها ناممکن شده است."

وی سپس به تشریح ساختار حکومتی ایران در دوره های مختلف پرداخته و رابطه اقوام مختلف آریائی را بعنوان اشکالی از فدرالیسم و ضرورت های آن در هر دوره را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گیری کرده در طی صدها سال حاکمیت های فدرال این مرحله در حیات ملت ایران پشت سر گذاشته شده و بازگشت به حاکمیت های فدرالی یک عقب گرد تاریخی است. وی مینویسد: "حاکمیت قدرت ناشی از استقلال دولت است که به آزادی بر سراسر سرزمین و ساکنانش اعمال میشود. برقراری نظم داخلی، دفاع از مرزها و روابط با دیگر کشورها از این قدرت است.

قدرت حاکمیت همه ساکنان سرزمین را بی هیچ استثنا دربر میگیرد و بر همه خشکی ها و آب هایش حکمرواست و وظیفه دولت اعمال حاکمیت است. نارسایی یا ترک هر یک از وظایف حاکمیت سبب زوال آنست. حکومتی که نتواند نظم داخلی را برقرار کند یا از مرزهایش دفاع کند فرو میپاشد.

اما اعمال حاکمیت همه کار دولت ها نیست. آنها وظایف دیگری هم دارند که با وظایف حاکمیت یکسان و از یک ریشه نیستند و همه شهروندان را دربر نمیگیرد و در همه جای کشور یکسان اجرا نمیشود... مانند پیشگیری از بیماری های واگیر، ساختن بیمارستان و فسالخانه، راه سازی، ساختن سد، ایجاد صنایع گران قیمت یا کم سود اما با اهمیت، بهره برداری از معادن بزرگ و... این گونه کارها را و وظیفه تصدی دولت ها میخوانند.

بر این اساس هر ایرانی بر هر سنگ و کاخ ایران و بر هر قطره آب رودها و دریاها به نسبت یک سهم از پنجاه و شش میلیون سمع ایرانیان حق دارد. هر تیریزی بر زاینده رود همانقدر حق دارد که هر اصغفانی بر بازمانده ارک تبریز.

چون حاکمیت حق مشاع همه مردم کشور است و فیر قابل تفکیک و انطال، اگر همه مردم سقر یا اصغفان بی هیچ استثنا صد درصد رای دهند که میخوانند سقر یا اصغفان جز کشور دیگری شود رایشان باطل است و ناپذیرفتنی چرا که همه مردم ایران بر سقر یا اصغفان حق دارند و اهالی آن دو شهر نمیتوانند حق حاکمیت دیگر ایرانیان را حتی با رای آزاد خود ذفنی کنند. اما اعمال تصدی چنین نیست.

آنچه قابل تقسیم است و وظایف تصدی دولت هاست و با تقسیم آن کارها بهتر انجام میشود. حدود و شعور تفکیک و وظایف حاکمیت و اعمال تصدی را مجلس موسسان هر کشور تعیین میکند و باتوجه به ساخت تباری و اهمیت منطقه ها در ایران مصلحت آنست که ایران از دو مجلس، مجلس ملی (منتخب همه ایرانیان) و مجلس استان ها (برگزیدگان استان ها به تساوی) برخوردار باشد و در مواردی اجلاس مشترک دو مجلس که مجلس بزرگ ملی میتواند نامیده شود به حل و عقد امور بپردازد. آنچه برآورد که در حوزه تصدی دولت است در سازماندهی کشوری میتوان به بخش ها و منطقه ها و گذاشت."

مجاهدت های شبانه روزی برخی از نو و کهنه کاران و روشنفکران دلسوز و متحول شده سیاسی به تفاهم و دوستی و همگرایی داده است.

اما آن جوانان پر شور، زنان دلاور و گروه های زخم خورده از انقلابی که شما از آنها سخن بمیان آورده و میگوئید به سبب دل بستن به اتحاد و ائتلاف های خیالی و ناممکن از متن مبارزه حذف شده و جای آنان را گروه کوچکی از کهنه کاران و حرفه ای های سیاست و بار دیگر روشنفکران پرگوئی گرفته اند که در تاریخ معاصر ایران همیشه شعار داده اند و به زیان مصالح ملی و هموطنان خود عمل کرده اند. اگر شما خود در متن کشن های سیاسی روز و کوشندگان دلسوز اپوزیسیون قرار گرفته بودید. به درستی پی میبردید که اگر در تاریخ دهساله اخیر مبارزات سیاسی اپوزیسیون و بویژه در یک سال گذشته تکان و حرکتی و یا شور و شوقی آشکار گشته است، بیشتر بستگی به همت و مجاهدت همین سازمان ها و گروه ها و یا به زهم شما گروهک های سیاسی داشته است که شما آنان را امروز این چنین مورد تعاجم و زخم زبان قرار داده اید.

پهلوان

روز ۱۷ دی (هفتم ژانویه) سالروز شهادت جهان پهلوان تختی و روز ورزش است. در سالروز این قهرمان مردمی و برای بزرگداشت وی داستان پهلوان از جمال میر صادقی را از کتاب "پشه‌ها" برای چاپ برگزیده ایم.

به مناسبت هفدهم دیماه روز شهادت تختی

تختی پهلوانی برای همیشه

می گفتند پیش از شروع مسابقه، تختی با رئیس فدراسیون حرفش شده بود. نامردا حالش را گرفته بودند. رودوشک که آمده، دمخ بوده، میلی به کشتی گرفتن نداشته. ترکه بارها از تختی خورده بود، آن دفعه هم نمی توانست او را برود. خلاصه روزی که برمی گشتند، دوربین فیلمبرداری را برداشتم و با جواد رفتم فرودگاه. هنگامه بود.

تو هم رفته بودی؟ راست می گویی؟ نمی دانستم. دیدی چه جمعیتی آمده بود؟ هزارها نفر. دریای مردم. هیچوقت سابقه نداشتم این همه آدم به استقبال کسی بروند. دلم می خواست فیلم خوبی ازش بگیرم اما جمعیت مگر می گذاشت، محشر کبرا بود. تنه می خوردم و به این وروآن و پرت می شدم. دوربین کج و راست می شد. اختیاری از دستم می رفت. خلاصه چطور بگویم، از آسمان و درخت و مردم فیلم می گرفتم؛ نه از تختی؛ تا میزان می کردم ته می خوردم و دوربین جهش عوض می شد. عجب جمعیتی، عجب جمعیتی. هیچ کاری نمی شد کرد. داشت گریه ام می گرفت. درمانده بودم که چکار کنم. حینم

می آمد که از آن موقعیت فیلی نداشته باشم؛ تختی میان دریای مردم... عاقبت جواد و وقای کشتی گیرش به دادم رسیدند. با کمک آن ها خودم را به ماشین تختی رساندم. تختی و مصدلی جلو کنار راننده نشسته بود. قیافه اش غصه دار بود. نت کردم و یک کلوزآپ ازش گرفتم، دوباره میزان کردم اما جمعیت من را از جا کند و مترایم خورد، فلوشد. دویدم جلو ماشین زوم کردم و صورتش، مردم هجوم آوردند، جهت عوض شد. زوم یک کردم که پیداش کنم، ماشین رفته بود و جمعیت داشت دنبالش می دوید...

با کمال میل، هرقوت خواستی بیا و ببین. فیلم شلوشی شده، اما به دیدنش می آرزم. می دانی وقتی ظاهرش کردم، خنده ام گرفت. مثلاً خواسته بودم از ورود تختی فیلم بگیرم، چیزی که در نیامده بود، همین بود. فیلم مردم شده بود، انبو پیروچوان که از سروکول هم بالا می رفتند و دنبال ماشین کشیده می شدند. حتی رودرخت ها و پشت بام ها هم که دوربین گرفته بود، جوان ها نشسته بودند.

کلوزآپی که ازش گرفته بودم، خوب از آب در نیامده بود. باورکن اصلاً دلم نمی خواست بهش نشان بدم اما جواد، ناکس بند را آب داد. یک روز سرزده با تختی آمدند خانه ما. خواستم طفره بروم اما از رویهوان خجالت کشیدم. اتاق را تازیک کردیم و فیلم را نشان دادم.

نه، اصلاً هیچ حرفی نزد. تمام مدت ساکت ماند. یک کلمه هم حرف نزد. خاموش نشست و از اول تا آخر فیلم را تماشا کرد. فیلم که تمام شد، چراغ را روشن کردم. هیچوقت قیافه اش را فراموش نمی کنم، هیچوقت. سرش خم شده بود و نگاهش بود و نگاهش بود خیره مانده بود. صورتش از عرق خیس بود. هوا آفتلرها گرم نبود.

وقتی سرش را بلند کرد و دید نگاهش می کنم، لبخند زد. عرق های صورتش را پاک کرد و با چشم های نیم زده و برق افتاده گفت:

«این همه برای دیدن من اومده بودن؟ من که کاری نکرده بودم!»

تابستان ۱۳۵۸

ندیده بودم، این جور خوشحال. یک وقت دیدم من هم افتاده ام به دست زدن

دم گرفتن. پسر، غرق شده بودم. باور می کنی؟ آره، حیف شد، خیلی حیف شد. کاش دوربین فیلمبرداریم را برده بودم و ازشان فیلم می گرفتم. آن شب نشد، نشد بینش. مگر ممکن بود. مردم ریخته بودند پایین، اگر درش نبرده بودند، پهلوان صدمه می دید. مردم دوستی دوستی بلایی سرش می آوردند: عکس هایی که ازش گرفتم، مایه دوستی ما شد. بجز یکیشان، همان که گفتن مسابقه را برده، بقیه زیاد جنگی به دل نمی زد. چندتا از را دادم و روزنامه ها چاپ کردند، باقیش را جنواد ازم گرفت. چندتا آلبوم عکس از پهلوان دارم: رودوشک، بیرون دوشک، رودوش مردم، میان مردم، بیجگی های پهلوان، دیدنی است. همین چند وقت پیش بابایی پیدا شده بود که پول خوبی پاش می داد.

یک روز با جواد رفتم اردو به دیدنش. پهلوان عکس های تو روزنامه ها را پسندیده بود، کلی تحویلان گرفت. از جا بلند شد و صورت را بوسید. صفای بچه ها را داشت، ساده، پر مهر و محبت. خواستم ازش باز هم عکس بگیرم، خواهش کرد اول از برویچه ها بگیرم. بچه های کشتی گیر، دووم جمع شدند. هر کدام جلو دوربین یک جور قیافه گرفتند. عکس هاشان را هنوز دارم. خنده دار شده اند. تختی همانطور ساده نشست، نه قیافه گرفت، نه حالت صورتش عوض شد؛ پهلوانی تو صورتش بود.

آه، گل گفتی، خودش است: صولت پهلوانی، همان چیزی که قدیمی ها می گفتند. صورت نجیبش صولت پهلوانی داشت، عین پهلوان های قدیمی. بعدها همه کشتی هاش را دیدیم. از همه شان عکس گرفتم، عکس های بدی از آب در نیامده، یکی دوتا ش مرکه شده. اصلاً می دانی، بعد از آن شب، به کشتی علاقمند شدم. هنوز هم هرقوت مسابقه است، هر کاری دارم دل می کنم و می روم تماشا. اما کشتی های تختی چیز دیگری بود.

آره، این ها که برایت تعریف کرده ام هاش خاطره است دیگر، اما یک چیزی ازش یادمانده که محال است فراموش کنم. حرف تو حرف آمد و اصل کاری فراموش شد. باور کن هنوز هم قیافه آن روزش پیش چشم مانده.

المبیک رم که یادت هست؟ کشتی گیرهای ایرانی همه خجیت کردند. تختی هم به عصمت اتلی باخت و مدال نقره گرفت. بعدها شنیدم حقتش را خورده اند، کشتی گیر ترک همه اش در می رفته، مسگری می کرده، تو یک غافلگیری بیکار تختی را خاک می کنند. آنوقت هم

بودند. من هم سر یک سینما با جواد شرط بستم!

تختی آمد رودوشک. دستش را جلوداور نگاه داشت و ناخن هاش را نشان داد. پاش را بلند کرد که داور کف کفکش را ببیند، با چه حجب و حیایی، مثل بچه مدرسه ای ها.

چه دستی برایش زدند، چه دستی؛ انگار تگرگ می زد به شیروانی ها، انگار هوا طوفانی شده بود و باد غوغا می کرد.

کاملآ درست است. اینطور نیست که هر کی هنوز نیامده، خودش را تودل مردم جا کند. سال ها باید امتحان پس بدهد، سال ها. داداش، این مردم خیلی بد گمانند. آخر نه این است که به هر کی دل خوش کردند، روسر آن ها با گذاشت و بالا رفت و خودش را به بالایی ها فروخت. تختی به آن ها امتحان پس داده بود. برای همین اینقدر دوستش داشتند و برایش سرودست می شکستند. وقتی راه افتاد برای زلزله زده ها پول جمع کند، دیدی چه غوغایی به پا شد، دیدی؟ همین، دستگاه را می ترساند. همین، برایشان مسأله شده بود: قهرمان می خواهی چه کنی؟ قهرمان که نان و آب برایت نمی آورد که دنبالش بدی و خودت را فدایش کنی. مملکت یک قهرمان دارد، یک صاحب، یک...

آره... کجا بودم؟ داشتم می گفتم کشتی گیر شوروی که آمد رودوشک، جوانک بلند شد و فریاد زد:

«حسابش بر سر پهلوان»

تختی برگشت. نگاهش کرد و خندید. آرام بود، مثل یک کوه میان دوشک ایستاده بود. چه هیبتی، انگار دارد با بچه ای بازی می کند، حمله های کشتی گیر شوروی را دفع می کرد. روسه یکبار چه حرکت بود، می چرخید، جلومی آمد، عقب می رفت و حمله می کرد. چرخش بیشتری از خود نشان می داد. از آن هیکل، این جنبش و حرکت، عجیب بود. یکبار هم موفق شد تختی را نیم تیغ کند و دو امتیاز بگیرد و جلو بیفتد. پرمردی که کارمن نشسته بود، به دعا افتاد. باور کن انگار برای پسرش دعا می کرد:

«خندایا پهلوان مار و از میدون سربلند بیرون بیار آسین یارب العالمین.»

مردم خاموش شده بودند، انگار مرده بودند. صدا از هیچکس بلند نبود. باور می کنی؟ دل من هم به شور افتاده بود. «بناز!»

یک دفعه از اینکه خودم را به جای تختی بگذارم، لرزیدم. اگر می باخت جواب این مردم را چه می داد؟

«پهلوان حسابش بر سر».

فریاد جوانک دوباره بلند شد. صداش می لرزید.

هر چه می خواهی بگویی بگو! ایران دوستی... عرق ملی من گل کرده بود؟ تو فکر مردم بودم که پهلوانشان داشت شکست می خورد؟ یا... درست نمی دانم. در آن لحظه دلم می خواست تختی برنده بشود. باور کن اگر به دعا اعتقاد داشتم، مثل پرمرد دست به دعا برمی داشتم. در همان حال دوربین را سردست گرفته بودم و منتظر بودم، انگار به دلم برات شده بود. تختی یک خم روس را گرفت و بلند کرد. روسه که به خاک رفت، فریاد مردم بلند شد. دوباره زنده شده بودند. عجیب بود. به هر کی نگاه می کردی، لبخند گل و گشادی رو لب هاش افتاده بود. قیافه ها باز شده بود.

مردم خیره شده بودند به دوشک. تختی پاش را مثل کاردی که توپتیر فرو کند، میان پاهای روسه کرد و سنگ نشست و کنده او را بالا آورد. عکس ازشان گرفتم.

آره داداش، حالا معنی این اصطلاح ها را خوب می دانم از پس رفتن کشتی تماشا کردم. اما آن شب، پرمرد برایم توضیح می داد، تند و تند: خاک چیه، سبک چیه، کنده چیه.

پرمرد خوبی بود. می گفت عاشق کشتی است و همه کشتی گیرها را می شناسد. از کشتی گیرهای قدیمی حرف می زد و از جوانسردی هاشان، از نامردی هاشان، اما می گفت تختی وری همه آن هاست، مثل تختی هنوز نیامده، می گفت یکبار خواسته دست تختی را ببوسد، تختی خم شده صورت او را بوسیده. میدان را از دست جواد گرفته بود و می برابرم توضیح می داد. می گفت حالا باید تختی کنده روسه را بالا بیاورد، دیدم کپل کنده روسه بالا آمد، می گفت:

«به روح قرآن الا نه که روسه بره به بل.»

دوربین را میزان کردم و دیدم با همه تقلاهایی که روسه می کرد، به بل رفت. عکس جانانه ای ازشان گرفتم، همان عکسی که تومسابقه عکاسی برنده شد.

آره، پرمرد هم می گفت. عجب شگردی. می گفت سبک تختی مثل گازانبر برقی است، کسی که گرفتارش شد، کارش تمام است. یک دفعه دیدم جوانک از جا پرید:

«ضربه... ضربه... لا ماسب.»

پرمرد هم تکان خورد:

«به روح قرآن ضربه شده... ضربه.»

داور سوتی زد و دوشک خوابید و نگاه کرد. همه خاموش شده بودند. داور سوتی دوباره با دستش به دوشک زد و سوت کشید. ورزشگاه ترکید. مردم از جا بلند شدند. کشتی گیر شوروی از رودوشک بلند شد. پیل پیل می رفت. با چشم های ریزش به تختی نگاه می کرد. تختی صورت او را بوسید، انگار می خواست از او معذرت بخواهد، خجالت می کشد که او را زمین زده.

ورزشگاه به تکان آمده بود. همه فریاد می زدند. عده ای دست می زدند و عده ای می رقصیدند. دم گرفته بودند و آواز می خواندند. زن ها هلهله شان را سر داده بودند. ورزشگاه شده بود یکپارچه فریاد شادی. ای کاش بودی و می دیدی مردم چه می کردند. هیچوقت آن ها را این جوری

قربان دهنتم. درست گفتی. با کشتش، بزرگترش کردند. هر که

سر راهشان قرار می گیرد، از میان ورش می دارند، بعد که گند قصبه درمی آید، به دست و پا می افتند و می خواهند رف و رجوعش کنند. دیدی چه داستان های مسخره ای برایش چاپ زدند؟ کی گوشش به آنها بدهکار بود.

دست خودشان را بیشتر رومی کردند، بیشتر خودشان را لومی دادند. غافل از این بودند که قهرمان کشتی به نفعشان تمام نمی شود: مرعوشان کن، ساکشان کن، کوچکشان کن، بخرشان؛ اگر نتیجه ای نگرتی، خب بی سروصدا مسرشان را زیر آب کن. تختی را آسانه کردند، هر قهرمانی را کشتند، آسانه شده، روزبه مثلاً، گل سرخی... فریاد روزی که توشند گل سرخی را تیرباران کردند تو تا کسی نشسته بودم، پیرزنی می گفت: -

«فرزون سبیلش برم. مرد بود.»

پیرزن ها اینطور می گفتند، جوان ها که جای خود دارند. شنیدم روز سال مرگش تو دانشگاه هر دانشجو یک گل سرخ به پخته اش زده بود، تشنگی

است، نیست؟ خیلی... چشم های آدم پراز اشک، می شود. همسپنر بود داداش، همسپنر بود. دشمن جانی هر آدم حسابی بودند، قهرمانی مثل تختی که جای خود دارد. آره، داشتم می گفتم چلوکبابمان را خوردیم و رفتم که حساب کنیم. مردک دخل بگیر گفت:

«حساب شده.»

«کی حساب کرده؟»

«آقا تختی...»

جواد گفت: «ای وای گل پهلوان ایچا بود؟»

مردک گفت: «پیش پای شما تشریف بردن.»

جواد خندید: «این دفعه هم پهلوان خجالتتون داده.»

بیرون که آمدیم، تعریف کرد:

«بچه محلم، باور کن هنوز نشده پیش اون به بچه خانی آباد دست تو جیبش کنه، پهلوان بهش برمی خوره.»

گفتم: «خیلی دلم می خواد بینش و چند تا عکس ازش بگیرم.»

«می برست پیشش. خاکبیه. هیچ ادا و اطفا بچه های دیگه رو نداره. به مولا آگه به دفعه بینش فدایش می شی.»

آره، درست است، بیخودی آدم بزرگ نمی شود. یک چیزی داشت که سالارش می کرد. این همه کشتی گیر آمدند و رفتند و اسی ازشان نیست. می خواهی بگویم مثل تختی کم پیدا می شود. یک روز جواد آمد و گفت:

«دلت می خواد کشتی شوبینی؟»

گفتم: «بدم نمیداد، دوربینم میارم و چندتا عکس هم ازش می گیرم.»

«مسابقه جهانیه، اینجابودم که بلیتو بگیرم، حالا که اومدم تموم شده. بیست و پنج کشور شرکت کردن. انشب، شب آخره. کشتی گیرهای شوروی، آمریکا، ژاپن، بلغار و ترک، و چهارتا کشتی گیر ایرانی تو جدول موندن. محشره. چون تو حاضر بودم هر چی میخوان بدم و به بلیت بگیرم. هر دری زدم نشد. برای پهلوان پنوم دادم. دوتا بلیت برام فرستاده. اومدم با هم بریم.»

آره که رفتم. محبتش را رد نکردم اما زیاد هم مشتاق نبودم. آخر هیچوقت نرفته بودم کشتی بینم، اولین بارم بود. قیامت بود. پسر، پاک گنج شدم. این همه آدم، این همه شور و هیجان، برای دیدن کشتی؟ باورم نمی شد که اینقدر تماشا می باشد. ترست مثل یک فیلم داغ، هیجان انگیز بود. جان تو حفظ کردم. اصلاً نفهمیدم چه جوری گذشت. چند ساعت تو هوای دم کرده و داغ بنشین، داد، فریاد، سروصدا، احساس ناراحتی نکنی که هیچ، غرق هم بشوی. کی فکرمی کرد دوتا آدم لخت و عرق کرده، به جان هم بیفتند و لنگ و پاچه همدیگر را بگیرند و می بالا و پایین کنند، این همه هیجان آور باشد، مرکه بود.

نه نمی توانم برایت تعریف کنم، نمی توانم. چه غوغایی بود. پیروچوان دست می زدند، فریاد می کشیدند و کشتی گیرهای خودی را تشویق می کردند. زن ها هم آمده بودند. نمی دانی چه هلهله ای می کردند. از حق نباید گذشت که بچه ها هم شیرین می کاشند. حییبی تا با ترکه دست داد، دیدم ترکه رو هواست و ضربه شد. کشتی گیر شوروی را هم همین طور انداخت. تختی همه را برده بود. یک روس و یک بلغاری گردن کلفت تو جدول مانده بودند. کشتی گیر شوروی هیچ نمره منفی نداشت. همه را از دم ضربه کرده بود. می گفتند قهرمان جهان است، انگار یکی دیوار تو مسابقه ها تختی را انداخته بود. آزان قلدراهی همه فن حریف بود. کشتی گیر لندهو بلغاری را مجاله کرد. مردم برایش دست زدند. برای تختی هم وقتی بلغاری را برد، خیلی دست زدند.

شنیدی؟ کاش بودی و می دیدی. شنیدن یک چیزی است و دیدن چیز دیگر. کشتی گیر شوروی یک غول بود. این هوا گرم، این کره بازو این ستون هیکل، پروقرص. می گفتند برای تختی یک خطر جدی است. خلاصه به قول حضرات مسابقه حساسی بود. من که تو باغ نبودم و از کشتی همسقتد می فهمیدم که نه بزرگ می فهمید. گوشم را داده بودم به بگومگوها. جوانکی جوش می زد و دستش را تکان می داد و می گفت:

«اون دهن های گاله تونوبندین، چی می زومی زین، می بره، روسه می بره، هیچ غلطی نمی تونه بکنه، پهلوان کارشومی سازه. حاضریم با همه تون شرط ببندم.»

یکی گفت: «سریه اسکناس پشت گلی!»

جوانک گفت: «باشه، ده تاش هم حاضریم، یکی که سهله.»

«پس بزن قدش!»

با هم شرط می بستند، سر اسکناس پشت گلی، سر کوکا، داغ داغ

عزت نفس

خار بدردون بمژگان خاره بشکستن بدست

سنگ خائیدن بدنان کوه ببردن بیچنگ

لعب با دنبال عقرب بوسه بردندان مار

پنجه با چنگال ضیغم غوص در کام نهنگ

از سر پستان شیر شرزه دوشیدن حلیب

وزبن دندان مار گرزه نوشیدن شرنگ

تشنه کام و پا برهنه در تموز و سنگلاخ

ره بریدن بی عصا فرسنگها با پای لنگ

طعمه برکنیدن بخشم از کام شیر گرسنه

صید بگرفتن به قهر از پنجه غضبان پلنگ

نقشها بستن شگرف از کلک مو بر آب تند

رخنه ها کردن پدید ازخارتر درخاره سنگ

روزگار رفته را برگردن افکنیدن کمند

عمر باقیمانده را بر پا نهادن پالهنک

صدبه آسانتر بود برمن که در بزم لثام

باده نوشم سرخ وزرد وجامه پوشم رنگ رنگ

چرخ گرد هستی از من گر بر آردگو بر آر

دور بادا دوراز دامان نامم گرد تنگ

هاتف

جنگ داخلی در سومالی

سومالی در هفته‌های اخیر شاهد نبردهای خونین میان نیروهای ضد دولتی و قوای محمد زیادباره رئیس‌جمهور این کشور بوده است. به گزارش دیپلمات‌های غربی از موگادیشو پایتخت سومالی، هفته گذشته نبردها به کشته شدن صدها تن از مردم غیرنظامی انجامید. تا لحظه تنظیم این خبر، طرفداران زیادباره در پایگاه نظامی فرودگاه ۱۴۰۰ پیشه مستقر بود.

مخالفتان زیادباره هرگونه مذاکره با رژیم وی را رد کرده‌اند. عبدالقادر یکی از رهبران ائتلاف ضد دولتی "کنگره متحد سومالی" اعلام کرد نیروهای این جبهه تا سرنگونی رژیم زیادباره خواهند جنگید. وی افزود تنها پس از پایان دادن به حکومت زیادباره، "کنگره متحد سومالی" با سایر مخالفان رژیم فعلی درباره آینده سومالی به مذاکره خواهد پرداخت.



نیروهای مخالف رژیم زیادباره در سومالی، در آستانه پیروزی اند.

آرژانتین: هفوزنرال‌ها

راول آلنونسین رئیس‌جمهور سابق آرژانتین که محکومیت ژنرال‌ها در دوره زمامداری وی صورت گرفت، از تصمیم رئیس‌جمهور انتقاد کرد. وی گفت: "این خطاست که جامعه با هدف آشتی ملی، با جنایت آشتی کند." در مقابل، منعم از تصمیم خود دفاع کرد و آن را گامی در جهت "آشتی دادن همه مردم آرژانتین" دانست. ویدلا دیکتاتور پیشین به دنبال آزادی از زندان، خواهان اعاده حیثیت از ارتش شد.

کارلوس منعم رئیس‌جمهور آرژانتین، اعضای شورای نظامی سابق این کشور را که از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ در راس یک دیکتاتوری نظامی زمام امور را در دست داشت، هفو کرد. ژنرال‌های عضو این شورا که به زندان طویل‌المدت محکوم شده بودند، با فرمان هفو رئیس‌جمهور آرژانتین از زندان آزاد شدند. در سال ۱۹۸۵، ژنرال ویدلا دیکتاتور سابق و سایر همدستانش محاکمه و محکوم شده بودند.



اعتراض‌بستگان قربانیان دیکتاتوری نظامی سابق آرژانتین به آزادی ژنرال‌ها

ناآرامی مجدد در مناطق اشغالی فلسطین

هفته گذشته ۲۶ سال از آغاز مبارزه مسلحانه توسط الفتح گذشت. از آنجا که انتظار می‌رفت مردم مناطق اشغالی فلسطینی به مناسبت این سالگرد دست به تظاهرات و اعتصاب بزنند، ارتش اسرائیل روز اول ژانویه برای حدود یک میلیون فلسطینی در کرانه غربی رود اردن و نوار فزه مقررات منع عبور و مرور اعلام کرد. بروز ناآرامیهای مجدد در فلسطین اشغالی، شورای امنیت سازمان ملل را بر آن داشت تا به بررسی مسئله فلسطین بپردازد، اما این شورا در این باره موصوبه‌ای نداشت. در آخرین روز سال ۱۹۹۵، نیروی هوایی

اسرائیل بار دیگر مواضع گروه‌های فلسطینی در جنوب لبنان را مورد حمله قرار داد. روز یکشنبه ۳۰ دسامبر نیروهای اسرائیلی در نوار فزه طی درگیری‌هایی پنج فلسطینی را کشته و ۲۵۰ تن را مجروح کردند. دبیر کل سازمان ملل "نگرانی عمیق" خود را از این حوادث ابراز داشت. خائیم رامون سخنگوی فراکسیون حزب کارگر اسرائیل در پارلمان این کشور به نمایندگی از یک سوم اعضای این فراکسیون ۳۸ نفره خواهان "عقب نشینی یکجانبه" اسرائیل از نوار فزه شد و گفت حزب کارگر باید با تغییر برنامه خود، خواستار بیرون رفتن از نوار فزه ظرف دو سال شود.

استعفای شوارندادزه

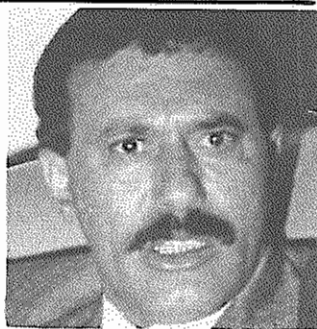
انتخاب کرد. یانایف تا پیش از انتخاب به سمت معاون رئیس‌جمهور، سمت‌های مختلفی برعهده داشته است که آخرین آن، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست بوده است. یانایف همچنین از آوریل تا ژوئیه سال گذشته همدار ریاست اتحادیه سندیکاهای شوروی بود. انتخاب یانایف در کنفرانس ۱۳۳۷ در دور دوم رای‌گیری و با ۵۶۲ رای مخالف صورت گرفت. یانایف در دور اول نتوانست اکثریت آرا را به دست آورد.

نشده است، اما گفته می‌شود یوگنی پریماکف از مشاوران گارباچف که تاکنون چند بار برای مذاکره پیرامون بحران خلیج فارس به خاورمیانه سفر کرده است، به احتمال زیاد وزیر خارجه خواهد شد. کنگره نمایندگان خلق شوروی در آخرین اجلاس خود در سال ۱۹۹۵، پیشنهادهای گارباچف برای افزایش اختیارات رئیس‌جمهور و قرارداد کابینه تحت مسئولیت مستقیم وی را پذیرفت. این کنگره همچنین به پیشنهاد گارباچف، گنادی یانایف را به عنوان معاون رئیس‌جمهور

ادوارد شوارندادزه وزیر خارجه شوروی بطور فیر منتظره طی نطقی که در اجلاس "کنگره نمایندگان خلق" این کشور ایراد کرد، استعفای خود را از مقام وزارت خارجه اعلام نمود. وی در سخنان خود اظهار داشت که در شوروی یک دیکتاتوری در شرف روی کار آمدن است. گارباچف از استعفای شوارندادزه انتقاد کرد و با این حال از او خواست مقام خود را به عنوان عضو شورای ریاست جمهوری حفظ کند. هنوز برای شوارندادزه در مقام وزارت خارجه جانشینی تعیین

مواضع یمن از زبان رئیس‌جمهور آن

مصاحبه "اشپیگل" با علی عبدالله صالح



علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور یمن

وزیر خارجه ایالات متحده به اینجا، به صفا آمد، و شما از گارباچف رئیس‌جمهور شوروی یک نامه شخصی دریافت کردید. آیا این دو کوشیدند یمن را "بهره آورند" و به موافقت با اولتیماتوم در شورای امنیت ترغیب کنند؟ صالح: بدیهی است که هر دو کوشیدند نظر ما را عوض کنند. اشپیگل: به نظر می‌رسد موفق نشده‌اند - با وجود وعده‌های مساعدشان؟ صالح: راهنمای سیاست ما، اصول همبستگی عربی است. ما خود را نمی‌فروشیم. اشپیگل: می‌گویند بیکر به شما پیشنهاد یک کمک ۲۵ میلیون دلاری کرده است. آیا مبلغ مزبور کم بود؟ صالح: با هیچ مبلغی نمی‌توان ما را خرید. حتی اگر به ما آن چهار میلیارد دلاری را که اکنون یک کشور همسایه می‌خواهد به یک قدرت بزرگ محتاج بدان بدهد، می‌دادند، ما حاضر نمی‌شدیم موضع خود را عوض کنیم. (اواخر نوامبر، عربستان سعودی به اتحاد اشپیگل: اخیراً بیکر

نماینده یمن در شورای امنیت سازمان ملل متحد، به قطعنامه اخیر این شورا مبنی بر تعیین مهلت برای عراق جهت خروج نیروهای این کشور از کویت، رای منفی داد. این رای، ادامه سیاست دولت متحد یمن در قبال بحران خلیج فارس است که وجه مشخصه آن، تلاش برای یافتن یک "راه حل عربی" برای اختلاف عراق با شیخ نشین‌های حاشیه خلیج فارس و مخالفت با دخالت آمریکا و متحدانش در منطقه بوده است. برای آشنایی با مواضع یمن، ترجمه مصاحبه هفته نامه آلمانی "اشپیگل" با علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور یمن را که در شماره ۱۷ دسامبر ۱۹۹۵ این هفته نامه چاپ شده است، چاپ می‌کنیم. علی عبدالله صالح در سال ۱۹۷۸ رئیس‌جمهوری یمن شمالی شد. او از ماه مه سال ۱۹۹۵ بدین سو، رئیس‌جمهور یمن متحد است که با ۱۴ میلیون نفر جمعیت، به لحاظ تعداد ساکنان بزرگترین کشور شبه جزیره عربستان محسوب می‌شود. رئیس‌جمهور یمن ۴۸ سال دارد.

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراک نشریه "کار"	<input type="checkbox"/> شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
	<input type="checkbox"/> یک ساله	۱۱ مارک	۱۳ مارک
		۲۱	۲۲

بهای اشتراک نشریه "اکثریت"	<input type="checkbox"/> سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
	<input type="checkbox"/> شش ماهه	۳۲ مارک	۳۹ مارک
	<input type="checkbox"/> یک ساله	۶۲	۷۶
		۱۲۰	۱۵۰

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

اکثریت
نشریه سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت) در خارج از کشور

AKSARIYAT
NO. 331
MONDAY 17. DEC. 1990

آدرس: RUZDEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
GERMANY

حساب بانکی: M.ABD
NR. 35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

کد پست: ۳۷۰۱۹۸

شوروی قول یک چهار میلیارد دلاری داد- اشپیگل). اشپیگل: آیا وسیع شما به شما اجازه می‌دهد این قدر عزت نفس داشته باشید؟ یمن تا همین مقطع کنونی از بحران خلیج بیش از همه کشورهای دگر، به جز کویت اشغالی، آسیب دیده است. کمکهای مالی کشورهای خلیج قطع شده است، به پالایشگاه شما در عدن دیگر نفت نمی‌رسد، توریست‌ها سفرهایشان را لغو کرده‌اند. صالح: این همه نمی‌تواند اعتقاد راسخ ما به درستی سیاست خود را خدشه دار کند. ما زیر این بقیه در ضمیمه ۶